

انجيل عيسى مسيح د مطابق يوحنا

كلام انسان جور شد

۱ د ازل كلام بود و كلام پيش خدا بود و كلام خود خدا بود. ۲ او از ازل قد خدا بود. ۳ تمام چيز د وسيله ازو خلق شد و بدون ازو هيچ چيز ام خلق نشد. هر چيزي كه د وجود آمد ۴ دزو زندگي دشت و زندگي نور انسان بود. ۵ نور د تريكي روشني ميديه و تريكي د بله ازو زور نشده.

۶ يگ آدم ظاهر شد كه از طرف خدا ربي شدد و نام شي يحيي بود. ۷ او بلده شاهدي ددو آمد تا د باره نور شاهدي بديه و تا يگ مردم د وسيله ازو ايمان بيره. ۸ او خود شي امو نور نبود، بلكه آمد تا د باره امو نور شاهدي بديه.

۹ نور حقيقي كه بلده هر انسان نور موبخسه د دنيا ميمد. ۱۰ د حقيقت او د دنيا بود و دنيا د وسيله ازو خلق شد، و له مردم دنيا او ره نشنخت. ۱۱ او د بين قوم خود خو آمد و قوم خود شي او ره قبول نكد. ۱۲ مگم تمام كساي كه او ره قبول كد، يعني د نام ازو ايمان آورد، او دزوا حق ازي ره دد كه بچكيچاي خدا شنه، ۱۳ بچكيچاي كه نه از خون،^b نه از خواهشاي نفس انسان و نه ام از خواهش جسماني يگ مرد د وجود آمد، بلكه از اراده خدا.

۱۴ كلام انسان^c جور شد و د بين امو زندگي كد. مو بزرگي-و-جلال ازو ره ديدى، بزرگي ره كه تنها لايق باچه يگانه از طرف آته آسماني بود و پر از فيض و راستى.

۱۵ يحيي د باره ازو شاهدي دد و جار زده گفت: "اى امو كس آسته كه ما دز شمو گفتدم: 'او كه بعد از مه ميبه، مقام شي از مه كده باله آسته، چون او پيش از مه وجود دشته.'"^d ۱۶ از بركت بے اندازه ازو فيض سر فيض نصيب پگ مو شده. ۱۷ چون شريعت توسط موسى دز مو دده شد و فيض و راستى د وسيله عيسى مسيح دز مو رسيد. ۱۸ خدا ره هيچ كس هرگز ندیده؛ يگانه باچه^e كه د آته نزديك آسته، او خدا ره دز مو شنختند.

۱۹ و شاهدي يحيي اينمى آسته: وختيكه رهبراي يهوديا پيشوايو و لاويا^e ره از شار اورشليم ربي كد تا ازو پُرسان كنه كه "تو كي آستى؟"^f ۲۰ او اقرار كد و منكر نشد، آرے، او اقرار كد كه "ما مسيح نيستم." ۲۱ و اونا از شي پُرسان كد: "پس تو كي آستى؟ آيا تو الياس پيغمبر آستى؟" او گفت: "نه، ما نيستم." او نا بسم پرسيد: "آيا تو امو پيغمبر آستى كه مو چيم د راه شي آستى؟" او جواب دد: "نه." ۲۲ د آخر اونا دزو گفت: "پس تو كي آستى؟ مو بلده امو كساي كه مو ره ربي كده بايد يگ جواب ببرى. تو د باره خود خو چي موگي؟"^g ۲۳ او گفت:

"ما آواز كسى آستم كه د بيابو جار زده موگه:

'راه ره بلده خداوند آماده كنيد،'"

امو رقيكه اشعيا پيغمبر گفتد.

۲۴ امو نفرای كه از طرف فريسيا^h ربي شدد، ۲۵ ازو پُرسان كده گفت: "اگه تو نه مسيح و نه الياس پيغمبر و نه ام امو پيغمبر ديگه آستى، پس چرا غسل تعميد مېدى؟" ۲۶ يحيي د جواب ازو گفت: "ما قد آو غسل تعميد مېدم، مگم د بين شمو يگ نفر ايسته يه كه شمو او ره نمينخشيد. ۲۷ او امو كس آسته كه بعد از مه ميبه و ما حتى لياقت ازي ره ندرم كه بند چپلى شي ره واز كئم." ۲۸ اى چيزا د آغيل بيت-عنيا كه د او لب درباى اردن آسته، واقع شد، يعنى دمرو جاي كه يحيي مردم ره غسل تعميد مېدد.

^a ۴:۱ «دزو زندگي دشت» يعنى «د كلام». ^b ۱۳:۱ «نه از خون» يعنى «نه از تولد معمولى». ^c ۱۴:۱ د جاي «انسان» د زيون يوناني «جسم» نوشته يه. ^d ۱۸:۱ د جاي «يگانه باچه» د بعضى نسخه هاى يوناني «يگانه خدا» نوشته يه. ^e ۱۹:۱ «لاويا» از طايفه لاوى و خدمتگار خانه خدا بود. ^f ۲۴:۱ بلده فاميدون «فريسي» د فهرست لغات مشكل رجوع كنيد.

یحیای تعمید دهنده عیسی ره معرفی مونه

۲۹ روز دیگه شی یحیی دید که عیسی طرف ازو مییه. اوخته یحیی گفت: "اونه، باره خدا که گناه دنیا ره باله مونه. ۳۰ ای امو کس آسته که ما د باره شی گفتدم: بعد از مه یگ مرد مییه که از مه کده بزرگتر آسته، چراکه او پیش از مه وجود داشته. ۳۱ ما خود مه او ره نبیسنختم، مگم بخاطری که او د بنی اسرائیل معرفی شنه، ما امدم تا قد او غسل تعمید بدم. ۳۲ یحیی د شاهی خو ادامه دده گفت: "ما روح القدس ره دیدم که د شکل یگ کوتر از آسمو نازل شده د بله ازو ششت و امونجی مند. ۳۳ ما تا او غیت او ره نمیسنختم، مگم خدای که مره ربی کد تا مردم ره قد او غسل تعمید بدم، او دز مه گفت: د بله هر کسی که روح القدس نازل شده ششت، او امو شخص آسته که قد روح القدس غسل تعمید میدیه. ۳۴ ما د چیم خو دیدیم و شاهی دده موگیم که او باچه خدا یه."

یارای اول مولا عیسی

۳۵ روز دیگه شی ام یحیی قد دو پیرو خو د امزو جای ایسته بود. ۳۶ وختی دید که عیسی ازونجی تیر موشه، او گفت: "اونه، باره خدا. ۳۷ وختیکه امو دو پیرو توره یحیی ره شنید، اونا از پس عیسی ربی شد. ۳۸ عیسی دور خورده دید که اونا از پس شی مییه و ازوا پُرسان کده گفت: "شمو چیزخیل ره موبالید؟" اونا دز شی گفت: "ربی - که «استاد» معنی میدیه - د کجا میشینی؟" ۳۹ او دزوا گفت: "بیید و بنگرید. ۴۰ پس اونا آمده دید که او د کجا میششت و اونا امو روز ره قد شی مند، چون ساعت دهم روز بود. ۴۱ یکی امزو دو نفر که توره یحیی ره شنید و از پس عیسی ربی شد، نام شی اندریاس، برار شمعون پترس بود. ۴۱ او اول برار خو شمعون ره پیدا کده دزو گفت: "مو مسیح ره پیدا کده" که ترجمه شی «انتخاب شده خدا» آسته. ۴۲ او شمعون ره پیش عیسی آورد و عیسی سون شی توخ کده گفت: "تو شمعون باچه یونا آستی. ازی بعد نام تو کیفا بشه. ۴۳ که معنای شی «قاده» آسته."

۴۳ روز دیگه شی عیسی قصد کد که د منطقه جلیلیه بوره. او فیلیپس ره پیدا کده دزو گفت: "از پشت مه بیه. ۴۴ فیلیپس از شار بیت-صیدا، یعنی از شار اندریاس و پترس بود. ۴۵ اوخته فیلیپس رفته نتنائیل ره پیدا کد و دزو گفت: "مو کسی ره پیدا کده که موسی د تورات و پیغمبرا د دیگه کتابا د باره شی نوشته کده؛ او عیسی باچه یوسف از شار ناصره یه. ۴۶ نتنائیل دزو گفت: "ایا از ناصره ام چیزی خوب بر موشه؟" فیلیپس گفت: "بیه و توخ کو. ۴۷ وختی عیسی دید که نتنائیل سون شی مییه، د باره ازو گفت: "اینه، یگ اسرائیلی حقیقی که دروغ و فریب دز شی نییه. ۴۸ نتنائیل دز شی گفت: "از کجا مره مینخشی؟" عیسی د جواب ازو گفت: "پیش ازی که فیلیپس تو ره کوی کنه، وختیکه د تی درخت انجیر بودی، ما تو ره دیدم. ۴۹ اوخته نتنائیل د جواب شی گفت: "استاد، تو باچه خدا آستی. تو واقعاً پادشاه بنی اسرائیل آستی. ۵۰ عیسی دزو گفت: "فقط امی که دز تو گفتم تو ره د تی درخت انجیر دیدم، ایمان آوردی؟ ازی بعد ازی کده کارای بزرگتر ره ام مینگری. ۵۱ و او بسم د نتنائیل گفت: "ما دز شمو راست موگم: شمو آسمو ره مینگرید که واز شده ملایکه های خدا از بله سر «باچه انسان»^c باله موره و تاه مییه."

معجزه د شار قانا

۱ د روز سوم، د شار قانای جلیلیه یگ توی بود و آبه عیسی ام د اونجی بود. ۲ عیسی و یارای شی ام دمزو توی دعوت شده بود. ۳ وختیکه شراب انگور تامو شد، آبه عیسی دزو گفت: "شراب ازوا تامو شده. ۴ عیسی دزو گفت: "آی خاتو، دز مه و از تو چی غرض؟ تا آلی ره وخت مه نرسیده. ۵ آبه شی د خدمتگارا گفت: "هر چیزی که شمو ره موگه، امو رقم بکنید. ۶ د اونجی شش کوزه سنگی بلده طهارت مطابق رواج یهودیا ایسته بود، هر کدم شی پنج یا شش سطل^d او میگرفت. ۷ عیسی د خدمتگارا گفت: "کوزه ها ره از او پر کنید. ۸ و اونا کوزه ها ره تا دان از او پر کد. ۹ او دزوا گفت: "آلی یگ کمک وری کشیده د پیش کینه مجلس ببرید. ۱۰ و اونا برد. ۱۱ وختی کینه مجلس آوی ره که شراب انگور جور شدد مره کد، نفامید که از کجا آورده شده، مگم خدمتگاری که او ره از چاه کشیدد، خبر دشت. اوخته کینه مجلس داماد ره کوی کد ۱۰ و دزو گفت: "پگ مردم همیشه شراب خوب ره د اول میره و غیتیکه مهمونا نشه شد، پس ازو شراب آرزو بی ره میره؛ مگم تو شراب خوب ره تا آلی ره نگاه کدیدی. ۱۱ امی معجزه اول ره عیسی د شار قانای جلیلیه انجام دد و جلال-و-بزرگی خو ره ظاهر کد و یارای شی دزو ایمان آورد."

^a ۲۹:۱ یحیی د باره عیسی پیشگویی مونه که او مثل باره بلده گناه مردم دنیا قربانی موشه. ^b ۳۹:۱ یعنی ساعت چار بجه بعد از چاشت بود. ^c ۵۱:۱ بلده معلومات کلوتر د باره «باچه انسان» د فهرست لغات مشکل رجوع کنید. ^d ۶:۲ پنج یا شش سطل او یعنی تقریباً هشتاد یا صد لتر.

۱۲ بعد از او قد آبه، پرارو و یارای خو د شارِ کفرناحوم رفت و د اونیچی چند روز مند.

عیسی د خانه خدا

۱۳ عیدِ پصح^a از یهودیا نزدیک شد و عیسی د شارِ اورشلیم رفت. ۱۴ او د خانه خدا مردم ره دید که گاو، گوسپو و کوتر سودا مونه و صرافا د پشتِ میزای خو ششسته یه. ۱۵ پس عیسی از ریسپو یگ قمچی جور کد و پگ ازوا ره قد گاو و گوسپون شی از خانه خدا رفته بر کد و پیسه های صرافا ره تیت کده میزای شی ره چپه کد ۱۶ و د کسای که کوتر سودا مودک، گفت: «امیا ره ازینجی گم کنیدا! خانه آبه مره جای خرید-وفروش جور نکنیدا!» ۱۷ اوخته د یاد یارای شی آمد که د کتابِ مقدس نوشته شده: «چون غیرتی که د باره خانه تو درم د وجود مه شعله ور آسته.» ۱۸ دمر و غیت یهودیا دزو گفت: «چی معجزه-ونشانی دز مو نشو میدی تا ثابت شنه که تو اختیار ازی کارا ره دری؟» ۱۹ عیسی د جواب ازوا گفت: «ای خانه خدا ره خراب کنیدا و ما د مینه سه روز ای ره دوباره آباد مونم.» ۲۰ پس یهودیا گفت: «آباد کدون امزی خانه خدا چل و شش سال ره دربر گرفت. آکو تو ای ره د مینه سه روز آباد مونی؟» ۲۱ مگم مقصدِ عیسی از خانه خدا جسم خود شی بود. ۲۲ و غیبتیکه عیسی بعد از مرگ دوباره زنده شد، د یاد یارای شی آمد که او امی توره ره دزوا گفتند. پس اونا د نوشته های مقدس و د تورای که عیسی گفتند، باور کد. ۲۳ وختیکه او د عیدِ پصح د اورشلیم بود، عدر نفرای که معجزه های ازو ره دید، د نام ازو ایمان آورد. ۲۴ لیکن عیسی خود شی دزوا اعتبار نکد، چراکه تمام مردم ره خوب مینخشید ۲۵ و لازم نبود که کس د باره انسان یگو چیز دزو بگیه، چون او خود شی موفامید که د دل انسان چی آسته.

عیسی و نیکودیموس

۳ ۱ یگ نفر د نام نیکودیموس که از فرقه فریسی و یکی از رهبرای یهودیا بود، ۲ یگ شاو پیش عیسی آمده دزو گفت: «استاد، مو میدنی که تو بحیثِ معلم-وراهنما از طرف خدا آمده، چون معجزه های که تو مونی هیچ کس نمیتنه، سیوای که خدا قد شی بشه.» ۳ عیسی د جواب شی گفت: «دز تو راس مومگ، کسی که از نو^b تولد نشده بشه پادشاهی خدا ره دیده نمیتنه.» ۴ نیکودیموس دزو گفت: «چی رقم امکان دره که یگ آدم پیر تولد شنه؟ آیا او میتنه پس د کوره آبه خو بوره و دوباره د دنیا بییه؟» ۵ عیسی د جواب شی گفت: «ما دز تو راس مومگ، تا وختیکه یگ نفر از او و روح تولد نشنه او نمیتنه د پادشاهی خدا داخل شنه. ۶ چیزی که از جسم تولد شده، او جسم آسته و چیزی که از روح تولد شده، او روح آسته. ۷ تعجب نکو که دز تو گفتم، شمو باید از نو^c تولد شنید. ۸ باد هر جای که بخایه پف مونه و شمو آواز شی ره میشنوید، مگم نمیدنید که از کجا مییه و یا د کجا موره. امی رقم هر کسی که از روح القدس تولد موشه، او ام نمیتنه که ای تولد نو چطور رخ دده.» ۹ نیکودیموس دزو گفت: «ای چیزا چطور امکان دره؟» ۱۰ عیسی بسم دزو گفت: «تو یگ معلم-وراهنمای بنی اسرائیل آستی و هنوز ام ای چیزا ره نموفامی؟ ۱۱ دز تو راس مومگ، مو از چیزی توره موی که ازو خبر دره و د باره چیزی شاهدی میدی که مو دیدی؛ مگم شمو مردم شاهدی مو ره قبول نمونید. ۱۲ ما که د باره کارای دنیایی دز شمو توره مومگ و شمو باور نمونید، اگه د باره کارای آسمانی نقل کنم، شمو چطور باور مونید؟ ۱۳ هیچ کس د عالم باله نرفته بغير از کسی که از عالم باله تاه آمده، یعنی «باچه انسان» [که جای شی د عالم باله یه.]^d ۱۴ امو رقمیکه موسی مار برونزی ره د بیابو د شخ چپو باله کد، امو رقم «باچه انسان» ام باید باله شنه، ۱۵ تا هر کسی که دزو ایمان بیره صاحب زندگی ابدی شنه. ۱۶ چون خدا دنیا ره ایقس دوست دشت که باچه یگانه خو ره دد تا هر کسی که دزو ایمان بیره نابود نشنه، بلکه صاحب زندگی ابدی شنه. ۱۷ خدا باچه خو ره د دنیا ربی نکد تا از مردم دنیا بازخواست کنه، بلکه تا دنیا د وسیله ازو نجات پیدا کنه. ۱۸ کسی که دزو ایمان بیره، محکوم نموشه؛ لیکن کسی که دزو ایمان نیره، او امی آلی محکوم شده، چراکه د نام باچه یگانه خدا ایمان نوره. ۱۹ محکومیت ازی خاطر آسته که نور د ای دنیا آمد، مگم مردم دنیا تربیکی ره از نور کده کلو خوش کد، چون کارای ازوا بد بود. ۲۰ هر کسی که کارای شیطانی مونه، او از نور بد شی مییه و نزدیک نور هیچ نمییه، تا که اعمال و کردار بد شی برملا نشنه. ۲۱ مگم آدمی که د راستی و نیکی عمل مونه، او سون نور مییه تا ظاهر شنه که اعمال ازو د مطابق خاست خدا یه.»

^a ۱۳:۲ عیدِ پصح یادبودِ آزادی بنی اسرائیل از مصر بود. ^b ۳:۳ «از نو» یا «از باله». ^c ۷:۳ «از نو» یا «از باله». ^d ۱۳:۳ امی عبارت «که جای شی د عالم باله

یه» د چند نسخه های قدیمی نوشته نییه.

† ۱۵:۳ عدها ۲۱:۶-۹.

عیسی و یحییٰ

۲۲ بعد از عیسیٰ قد یارای خُو د سرزمینِ یهودیه رفته چند دیر قد ازوا قتی د اُونجی مند و مردُم ره عُسلِ تعمید دَد.

۲۳ یحییٰ ام د عینون نزدیکِ منطقهِ سالمِ مردُم ره عُسلِ تعمید میدد، چراکه د اُونجی آو کلو بود و مردُم آمده عُسلِ تعمید میگرفت، ۲۴ چون یحییٰ تا او وخت بندی نشد.

۲۵ دَمزُو غیت بین یارای یحییٰ و یگ عالمِ یهودی د باره طهارت-و-پاکی بحث شد. ۲۶ و اونا د پیش یحییٰ آمده دزشی گفت: "استاد، امو نفر که د او سون دریای اَرْدُن قد تو بود و تو د باره شی شاهدی ددی، آلی او عُسلِ تعمید میدیه و پگِ مردُم د بیخ ازو مورِه." ۲۷ یحییٰ دزوا گفت: "انسان هیچ چیز ره حاصل نمیتنه، سِوای که از عالمِ باله دزو دده شنه. ۲۸ خودون شمو شاهد استید که ما گفتدم: 'ما مسیح نییم، بلکه امو کس استم که خدا مره پیشلون مسیح ری کده.' ۲۹ بیری د داماد تعلق دَره، مگم رفیقِ داماد که د یگ گوشه ایسته یه و آوازِ داماد ره میشنوه، او از شنیدون آواز شی عَدَر خوشحال موشه. اینمی رقم ما ام خوش استم و آلی خوشی مه کامل شده. ۳۰ او باید بزرگتر شنه د حالیکه ما باید ریزه‌تر شتم."

عیسیٰ از عالمِ باله آمده

۳۱ کسی که از باله مییه، از پگ کده باله یه و کسی که از زمی آسته د زمی تعلق دَره و از چیزای زمی توره مَوگه. اَره، کسی که از عالمِ باله آمده، از تمام کده باله‌تر آسته. ۳۲ او د باره چیزای که شنیده و دیده شاهدی میدیه، مگم هیچ کس شاهدی و توره شی ره قبول نمونه. ۳۳ کسی که شاهدی ازو ره قبول مونه، تصدیق مکنه که خدا حق-و-راست آسته. ۳۴ کسی ره که خدا ری کده، او توره خدا ره مَوگه، چون خدا روح خُو ره بے اندازه دزو بخشیده. ۳۵ آته، باچه خُو ره دوست دَره و تمام چیزا ره د دست ازو دده. ۳۶ کسی که د باچه ایمان بیره، او صاحبِ زندگی ابدی موشه؛ لیکن کسی که از آید شی نموشه، زندگی ابدی ره نمینگره، بلکه د غَضَبِ خدا گرفتار موشه."

توره عیسیٰ قد خاتونِ سامری

۴ وختی مولا عیسیٰ فامید که فریسیا خبر شده که او از یحییٰ کده کلو پیرو پیدا کده و عُسلِ تعمید میدیه، ۲ - اگرچه عیسیٰ خود شی عُسلِ تعمید نمیدد، بلکه یارای شی میدد - ۳ عیسیٰ یهودیه ره ایله کده پس د جلیلیه رفت.

۴ دزی سفر لازم بود که از منطقهِ سامره تیر شنه. ۵ او د یگ شارِ سامره د نام سوخار رسید، د نزدیکِ امزو پتی زمی که یعقوب د باچه خُو یوسف دده بود. ۶ چاه یعقوب ام د اُونجی بود و عیسیٰ که از زور راه رفتو منده و زله شد، د لبِ امزو چاه ششت؛ وخت ساعتِ ششم روز^b بود. ۷ دَمزُو غیت یگ خاتونِ سامری آمد تا از چاه آو بکشه. عیسیٰ دزو گفت: "کم وری آو دز مه بدی،" ۸ چون یارای شی دَمزُو وخت بلده نان خریدو د شار رفت. ۹ خاتونِ سامری دزو گفت: "تو که یگ یهودی استی و ما یگ خاتونِ سامری، چطور شد که از مه آو طلب مونی؟" امی ره گفت از خاطری که یهودیا قد سامری ها ششت و برخاست نموکد. ۱۰ عیسیٰ د جواب ازو گفت: "اگه تو بخشش خدا ره میدنستی و موفامیدی که کی آسته که از تو آو طلب مونه، تو ازو طلب موکدی و او دز تو آب حیات مویخشید." ۱۱ خاتو دزو گفت: "صاحب، تو دوله نداری و چاه ام چقور آسته. پس امو آب حیات ره از کجا مونی؟" ۱۲ آیا از بابه کلون مویعقوب که امی چاه ره دز مو دد و از او امزی چاه خود شی و باچه های شی، گلّه و رمه شی خورد، تو بزرگتر استی؟" ۱۳ عیسیٰ دزو گفت: "هر کسی که ازی چاه آو وچی کنه، بسمِ تَشْنه موشه، ۱۴ مگم هر کسی که امزو آو که ما دز شی میدم وچی کنه، او دیگه هرگز تَشْنه نموشه. چون امو آو ره که ما دزو میدم د وجود شی یگ چشمه آب حیات جور موشه که تا زندگی ابدی بلبلاغ مونه." ۱۵ خاتو دزو گفت: "صاحب، دز مه امزو آو بدی تا که دیگه تَشْنه نشتم و تمام راه تا اینجی پشت آو نییم." ۱۶ عیسیٰ دزو گفت: "بورو، شوی خُو ره کوی کده اینجی بیر." ۱۷ خاتو د جواب ازو گفت: "ما شوی ندَرَم." عیسیٰ گفت: "امی توره تو راست آسته که گفتی: 'ما شوی ندَرَم.' ۱۸ پنج دفعه تو شوی کده و امو مردی ره که آلی دری او شوی تو نییه. ای گب تو راسه." ۱۹ خاتو دزو گفت: "صاحب، ما فکر مونت که تو پیغمبر استی. ۲۰ بابه کلونای مو دَمزی کوه عبادت موکد و شمو مردُم مویکد، جای که باید دزشی عبادت شنه د اورشلیم آسته." ۲۱ عیسیٰ دزو گفت: "آی خاتو، دز مه باور کو، زمانی مییه که مردُم آته آسمانی ره نه د ای کوه عبادت مونه و نه ام د اورشلیم. ۲۲ شمو سامری ها چیزی ره عبادت مونی که مینخشی؛ مگم مو امو ره عبادت مونی که مینخشی، چراکه نجات بشر د وسیله قومِ یهود مییه. ۲۳ یگ زمان مییه، بلکه او زمان امیالی آمده که عبادت کُننده های حقیقی آته آسمانی ره د روح و راستی عبادت مونه، چراکه آته آسمانی امو

^a ۳۵:۳ «آته باچه خُو ره دوست دَره» یعنی «خدا عیسیٰ مسیح ره دوست دَره.» ^b ۶:۴ یعنی چاشت بود.

رقم عبادت كُننده ها ره ميخايه. ٢٤ خدا روح آسته و كساي كه او ره عبادت مونه بايد د روح و راستي عبادت كنه. " ٢٥ خاتو دزو گُفت: " ما ميدنم كه مسيح^a ميبه؛ غيتي كه او بيبه، او مو ره از تمام چيزا با خبر مونه. " ٢٦ عيسي دزو گُفت: " ما كه قد تو توره موگم، امو استم. " b

٢٧ دمزو غيت ياراي شي آمد و تعجب كد كه او قد يگ خاتو توره موگيه، مگم هيچ كس نكُفت كه " چي كار دشتي؟ " يا " چرا قد ازو خاتو توره موگفتي؟ " ٢٨ پس امو خاتو كوزه خو ره د اونجی ايله كد و د شار رفته د مردم گُفت: ٢٩ " بييد يگ آدم ره بنگريد، هر كاري ره كه ما ازي پيش كددم، دز مه گُفت. آيا او مسيح بيبه، يا آسته؟ " ٣٠ اونا از شار بر شُده د دير عيسي آمد.

٣١ دمزو غيت ياراي عيسي دزو موگُفت: " استاد، نان نوش جان كو. " ٣٢ مگم او دزوا گُفت: " ما ناني بلده خوردو درم كه شمو د باره ازو خبر ندريد. " ٣٣ پس ياراي شي قد يگديگه خو گُفت: " آيا يگو كس دزو نان آورده بشه؟ " ٣٤ عيسي دزوا گُفت: " نان از مه امي آسته كه خاست امزو ره كه مَره ربي كده، د جاي بيزم و كاراي شي ره تكميل كنم. " ٣٥ آيا شمو نموكيد كه تا وخت دزو چار ماه ديگه منده؟ و له ما دز شمو موگم كه سر^c خو ره باله كده كشت ها ره توخ كنيد كه زرد شُده و وخت دزو شي امي آلي آسته. ٣٦ كسي كه دزو مونه مزد خو ره ميگيره و بلده زندگي ابدی ثمر جم مونه. دمزي رقم كشت كُننده و دروگر هر دو يگ جاي خوشحال موشه. ٣٧ د اينجی امو مثل راس آسته كه موگه: ' يگ نفر كشت مونه و ديگه كس دزو. ' ٣٨ ما شمو ره ربي كدم تا امو كشت ره دزو كنيد كه شمو بلده ازو زحمت نكشيديد. ديگرو زحمت ازو ره كشييد و شمو د حاصل زحمت ازوا شريگ شديد. "

٣٩ غدر مردم سامري دمزو شار بخاطر شاهدي امزو خاتو د عيسي ايمان آورد كه گُفتد: " هر كاري كه كددم، تمام شي ره دز مه گُفت. " ٤٠ پس وختي كه سامري ها د دير عيسي آمد، اونا او ره شله شد كه قد ازوا بمنه و عيسي دو روز قد ازوا مند ٤١ و غدر مردم ديگه از خاطر كلام خود شي، دزو ايمان آورد. ٤٢ اونا دمزو خاتو گُفت: " از آلي، ديگه از خاطر گپاي از تو بيبه كه مو دزو ايمان دري، بلكه خودون مو شنيد و آلي موفامي كه اينمي آدم واقعا نجات دهنده دنيا آسته. "

٤٣ بعد امزو دو روز، عيسي ازونجی سون جليليه رفت، ٤٤ چون خود شي گُفتد: " پيغمبر د منطقه خود خو قدر ندره. " ٤٥ مگم وختي كه او د جليليه رسيد، مردم جليليه غدر او ره خوشامد و پيشامد كد، چون تمام كاراي ره كه د اورشليم د روز عيد كدد، اونا ديدد، چرا كه اونا ام د وخت عيد د اونجی رفتد.

٤٦ پس عيسي بسم د قاناي جليليه آمد، دمزو جاي كه او ره د شراب انگور تبديل كدد. ٤٧ وختي امو كارمند شنيد كه عيسي از يهوديه د جليليه آمده، او پيش شي رفت و خواهش كد كه آمده باچه شي ره كه د حال مردو يه، شفا بديه. ٤٨ عيسي دزو گُفت: " تا شمو معجزه ها و چيزاي عجيب ننگريد، ايمان نميريد. " ٤٩ كارمند حكومت دزو گُفت: " صاحب، پيش ازي كه باچه مه بمره بيه كه بوري. " ٥٠ عيسي دزو گُفت: " بورو، باچه تو زنده مومنه. " امو آدم د كلام عيسي اعتبار كد و سون خانه خو ربي شد. ٥١ د حالي كه سون خانه خو مورفت، غلاماي شي د دم راه ازو آمد و گُفت: " باچه تو زنده يه. " ٥٢ كارمند حكومت ازوا پرسان كد: " چي غيت و د كدم ساعت باچه خوب شد؟ " اونا دزو گُفت: " ديروز ساعت يگ بجه بعد از چاشت تو او ره ايله كد. " ٥٣ اوخته آته باچه پي برد كه دمزو ساعت عيسي گُفتد: " باچه تو زنده مومنه. " پس خود امزو آدم و پگ خانوار شي ايمان آورد. ٥٤ و اي معجزه دوم عيسي بعد از آمدون شي از يهوديه د جليليه بود.

عيسي يگ آدم شل ره د روز عيد شفا ميديه

٥ بعد ازي چيزا يگ عيد يهوديا آمد و عيسي د اورشليم رفت. ١ د اورشليم نزديك درگه گوسپندو يگ حوض بود كه د زبون عبراني او ره «بيت جسد»^c موگُفت. د گرد امزو حوض پنج برنده بود. ٢ دمزو برنده ها غدر آدمي ناجور، كور، لنگ و فلج خاو موكد [و معطل شور خوردون او حوض ميششت، ٣ چون د وختاي معين يگ ملاي كه خداوند تاه ميمد و او ره شور ميبد. هر نفری كه بعد از شور خوردون او اول د منه حوض مورفت، از هر ناجوري كه دشت شفا پيدا موكد.]^f ٤ د اونجی يگ آدم موجود بود كه سي و هشت سال موشد مريض بود. ٥ وختي عيسي او ره ديد كه د اونجی خاو آسته و پي برد كه از غدر دير ناجور آسته، دزو گُفت: " ميخاهي كه جور شني؟ " ٦ آدم ناجور د جواب شي گُفت: " صاحب، كسي ره ندرم كه د وخت شور خوردون او مَره د

^a ٢٥:٤ مسيح يعني «انتخاب شده خدا». ^b ٢٦:٤ بلده فاميدون «ما ... امو استم» د كتاب خروج فصل ٣ آيه ١٤ رجوع كنيد. ^c ٣٥:٤ د جاي «سر» د زبون يوناني «چيما» نوشته يه. ^d ٤٤:٤ امکان ذره كه مقصد عيسي د باره «ملك خود خو» منطقه يهوديه بشه، چون او د شار بيت اللحم يهوديه تولد شد. امچنان د لوقا فصل ٢ رجوع كنيد. ^e ٢:٥ «بيت جسد» يعني «خانه زحمت». ^f ٤:٥ بعضی نسخها ها متن داخل قوس ره د اصل متن شامل نموكنه.

مَنْه حَوْضِ بِنْدَزَه؛ امی که ما حرکت مَوْتُم، یگو کسِ دِیگه از مه پیش دَ مَنَه آو مِیرسه. ^۸ عیسی دَزُو کُفت: «باله شو، جاگِه خُو ره جَم کُو و بورُو.» ^۹ امو آدم فوراً جور شد و جاگِه خُو ره جَم کده ریی شد.

امو روز، روز آرام^{۱۰} بود. پس یهویدا دَمزُو آدم که جور شد کُفت: «امروز، روز آرام آسته و دَمزی روز بلده تُو روا نیبه که بستره خُو ره گِرَفته بُبری!» ^{۱۱} مگم او دَ جوابِ ازوا کُفت: «امو کس که مره شفا دَد، دَز مه کُفت، بستره خُو ره جَم کده بورُو.» ^{۱۲} اونا از شی پُرسان کد: «کی آسته امو نفر که دَز تُو کُفته، بستره خُو ره جَم کده بورُو؟» ^{۱۳} مگم او آدم که شفا پیدا کُدد، نَمیدنست که او کی بود، چُون دَ اُونجی مرُدَم عَدَر بود و عیسی دَ بَینِ ازوا کُف شد. ^{۱۴} بعد ازو عیسی او ره دَ خانه خُدا پیدا کد و دَز شی کُفت: «اینه، تُو جور شد؛ دِیگه کُناه نَکُو تاکه گِرِفتار چیز بدتر ازی نَشنی.» ^{۱۵} اوخته امو آدم رفته دَ یهویدا خبر دده کُفت: «کسی که مره شفا دَد، عیسی یه.» ^{۱۶} امزی خاطر کُته کلونای یهویدی عیسی ره آزار-و-آذیت مَوکد، چراکه امی چیزا ره او دَ روز آرام انجام میدد.

^{۱۷} مگم عیسی دَ جوابِ ازوا کُفت: «رقمیکه آته^b مه تا هنوز کار مونه، ما ام کار مَوتم.» ^{۱۸} دَمزی دَلیل یهویدا کلوتر دَ قَصِدِ کُشتونِ ازو بُر شد، چراکه او نه تنها روز آرام ره نادیده میگرِفَت، بلکه خُدا ره ام آته خُو مَوکُفت و امی رقم خود خُو ره برابر خُدا جور مَوکد.

مقام و اختیاراتِ عیسی مسیح

^{۱۹} پس عیسی دَ جوابِ یهویدا کُفت: «ما حقیقت ره دَز شَمو مَوگم، باچه از پیشِ خود خُو هیچ کار نَمیتنه، بلکه امو کارا ره مونه که از آته خُو مینگره. هر کاری که آته مَوکنه، باچه ام رقمِ ازو وری مونه. ^{۲۰} چُون آته باچه خُو ره دوست دَره و هر کاری که مونه دَ باچه خُو نشو میدیه و ازی کده کارای بزرگتر ام دَزُو نشو میدیه تاکه شَمو خیر و بَمیند. ^{۲۱} چُون امو رقمیکه آته آسمانی مرده ها ره از قبر باله کده زنده مونه، باچه شی ام امو رقم دَ هر کسی که دل شی شنه، زندگی میدیه. ^{۲۲} امچنان، آته آسمانی هیچ کس ره قضاوت نَمونه، بلکه اختیارِ قضاوت کدو ره دَ دستِ باچه خُو دده، ^{۲۳} تا پگِ مرُدَم باچه ره احترام کُنه، امو رقم که اونا دَ آته آسمانی احترام مونه. کسی که دَ باچه بے احترامی کُنه، او دَ آته که او ره ریی کده، ام بے احترامی مونه.»

^{۲۴} ما حقیقت ره دَز شَمو مَوگم: کسی که دَ کلامِ ازمه گوش بدیه و دَ امزُو که مره ریی کده ایمان بیره، زندگی ابدی نصیب شی موشه. او ملامت-و-محکوم موشه، بلکه از مرگ نجات پیدا کده دَ زندگی ابدی مِیرسه. ^{۲۵} ما دَز شَمو راست مَوگم: یگ زمان میبه، بلکه او زمان امی آلی رسیده که مرده ها آوازِ باچه خُدا ره میشنوه و اونا که قبول کُنه، زنده موشه. ^{۲۶} چُون امو رقمیکه آته آسمانی سرچشمه زندگی یه، امو رقم او دَ باچه خُو ام قُدرت دده تا سرچشمه زندگی بشه ^{۲۷} و دَزُو اختیار دده که قضاوت کُنه، چراکه او «باچه انسان» آسته. ^{۲۸} دزی تورا تعجب نَکنید؛ زمانی میبه که پگِ مرده ها دَ قبرستو آوازِ «باچه انسان» ره میشنوه ^{۲۹} و از قبر بُر موشه: اونا که نیکوکار بوده بلده زندگی ابدی برخاست مونه و آدمای بدکار برخاست مونه تاکه دَ جزای خُدا گِرِفتار شنه.

^{۳۰} ما از پیشِ خود خُو هیچ کار نمی تَنم، بلکه امو رقمیکه میشنوم، امو رقم قضاوت مَوتم و قضاوت مه عادلانه آسته، چراکه ما دَ فکرِ رضایتِ خود خُو نییم، بلکه دَ فکرِ رضایتِ امزُو آستُم که مره ریی کده.

^{۳۱} اگه ما دَ باره خود خُو شاهدی بدُم، شاهدی مه راست نیبه. ^{۳۲} لیکن یگو کسِ دِیگه آسته که دَ باره ازمه شاهدی میدیه، و ما میدنم شاهدی که او دَ باره ازمه میدیه، راس آسته. ^{۳۳} شَمو نفر ا ره دَ پیشِ یحیی ریی کدید و او دَ باره حقیقتِ شاهدی دَد. ^{۳۴} ایطور نیبه که ما دَ شاهدی یگو انسان ضرورت دَرُم؛ بلکه ای توره ره بلده ازی مَوگیم تاکه شَمو نجات پیدا کنید. ^{۳۵} یحیی رقمِ یگ چراغِ آلی بود که موسوخت و روشنی میدد و شَمو خاستید که چند وخت ره دَ نورِ ازو خوش تیر کنید.

^{۳۶} مگم شاهدی که ما میدم از شاهدی یحیی کده بزرگتر آسته، چُون کارای ره که آته آسمانی دَ گردون مه ایشته تا تکمیل کُتم، امو کارا ره که انجام میدیم خودون شی دَ باره مه شاهدی میدیه که مره آته آسمانی ریی کده. ^{۳۷} و آته آسمانی که مره ریی کده، خود شی دَ باره ازمه شاهدی دده. شَمو هرگز نه آواز شی ره شنیدید و نه شکل شی ره دیدید ^{۳۸} و نه ام کلامِ ازو دَ دلِ شَمو جای میگیره، چُون امو کس ره که آته آسمانی ریی کده شَمو دَز شی ایمان نَمیرید. ^{۳۹} شَمو نوشته های مَقَدَس ره حُوب مَطالعه مَونید، چُون فکر مَونید که دَ وسیله ازوا شَمو میتنید زندگی ابدی پیدا کنید، دَ حالیکه امو نوشته ها دَ باره ازمه شاهدی میدیه. ^{۴۰} باوجودِ ازی ام شَمو نمیخواهید که پیشِ ازمه ببید تا زندگی ابدی ره پیدا کنید.

^a ۹:۵ یعنی «روز شَمیه.» ^b ۱۷:۵ مقصدِ عیسی مسیح از «آته» دَ اینجی «خُدا» آسته. هر وختی که عیسی مسیح دَ باره «آته خُو» گپ میزنه، مقصد شی خُدا آسته.

^c ۲۷:۵ دَ باره «باچه انسان» دَ کتابِ دانیال دَ فصل ۷، آیه های ۱۳ و ۱۴ رُجوع کُنید.

۴۱ ما دَ فِکْرِ پَیْدَا کَدُونِ عِزَّت-و-احترام از مردُم نیبیم. ۴۲ علاوه ازی، ما شُمو ره مینخشم و میدنم که مَحَبَّتِ خُدا دَ دِلِ شُمو نیبه. ۴۳ ما که دَ نامِ آتِه خُو آمدیم، شُمو مره قبول نمونید؛ لیکن اگه یگو آدمِ دیگه دَ نامِ خود خُو بیبه، شُمو او ره قبول مونید. ۴۴ چطور شُمو میتینید که ایمان بیرید دَ حالیکه از یگدیگه خُو عِزَّت-و-احترام میخاید، ولے دَ طلبِ عِزَّت-و-احترامی که از خُدا یکتا میبه نیستید. ۴۵ فِکْرِ نَکُنید که ما شُمو ره پیشِ آتِه آسمانی ملامت مونم؛ ملامت کُننده شُمو موسیٰ یه، کسی که شُمو امید خُو ره دَزُو بسته کدید. ۴۶ اگه شُمو دَ موسیٰ ایمان میدشتید، دَز مه ام ایمان میوردید، چراکه او دَ باره ازمه نوشته کده. ۴۷ لیکن اگه شُمو دَ نوشته های اَزُو باور نداشتید، دَ تورای ازمه چطور باور مونید؟

نان بلده پنج هزار نفر

۱ بعد اَزُو عیسیٰ دَ او طرفِ دریایِ جلیلیه یعنی دریایِ تِبریه رفت. ۲ غدر مردُم از پشت شی مورفت، چون مُعجزه های ره که او دَ حقِ ناجورا مُوگد، اونا میدید. ۳ دَمَزُو غَیْبِ عیسیٰ دَ بله کوه رفت و قد یارای خُو دَ اُونجی شِشت. ۴ عیدِ پَصَح که عیدِ یهودیا آسته، نزدیک بود. ۵ پس عیسیٰ سر خُو ره باله کد و دید که جمعیتِ کُنه مردُم سُون شی میبه. اوخته او دَ فیلیپس گُفت: "نان از کجا بخری تا ای مردُم بخوره؟" ۶ مگم ای ره فقط بلده امتحان دَزُو گُفت، چراکه خود شی موفامید که چیز کار کنه. ۷ فیلیپس دَ جواب شی گُفت: "دُو صد دینار نان امی نفره ره بس نموکنه و بلده هر کدم شی یگ لغمه ام نمیرهسه." ۸ یکی از یارای عیسیٰ، اندریاس برارِ شِمعون-پتروس دَز شی گُفت: ۹ "یگ باچه دَ اینجی آسته که پنج دانه نان جو و دُو ماهی دره؛ مگم او دَ ایقَس نفر چی موشه؟" ۱۰ عیسیٰ گُفت: "مردُم ره تاه بشنید." دَمَزُو جای غدرِ علف بود و امو کسای که دَ اُونجی شِشت، تقریباً پنج هزار مرد بود. ۱۱ پس عیسیٰ امو نان ها ره گرفته شکرگزاری کد و بلده مردُمی که شِشتند، هر قدر که اونا خاست بخش کد. و ماهی ره ام امو رقم کد. ۱۲ وختیکه اونا سیر شد، او دَ یارای خُو گُفت: "توئه-و-پرچه باقی منده ره جم کُنید تا که هیچ چیز ضایع نشنه." ۱۳ اوخته اونا دوازده سبد ره از توئه-و-پرچه باقی منده امو پنج نان جو جم کده پُر کد. ۱۴ وختی مردُم مُعجزه ره که عیسیٰ انجام دَدُ دید، اونا گُفت: "واقعاً ای امو پیغمبر آسته که باید دَ دنیا بیبه." ۱۵ وختی عیسیٰ فامید که اونا قصد دره او ره دَ زور برده پادشاه تعیین کنه، او بسم خود ره خطا دَد و تنهای خُو دَ کوه رفت.

۱۶ غَیْبِیکه بیگاه شد، یارای شی سرشیو طرفِ دریا رفت. ۱۷ اونا دَ کِشتی سوار شده دَ او لبِ دریا سون کفرناحوم ری شد. هوا تریک شد و عیسیٰ هنوز ام دَ پیش ازوا نَمَدُ. ۱۸ او دریا از خاطرِ بادِ توند دَ لپه خورد و شروع کد. ۱۹ وختی یارا تقریباً یگ ساعت دَ کِشتی پیش رفتند، اونا عیسیٰ ره هوش کد که دَ بله او راه موره و طرفِ کِشتی نزدیک موشه و اونا ترس خورد. ۲۰ مگم او دَزوا گُفت: "ما استم، نترسید." ۲۱ وختی اونا میخواست که او ره دَ منِه کِشتی بیره، دَمَزُو غَیْبِ کِشتی دَ جایی که اونا ری بود، رسید.

۲۲ روز دیگه شی مردُمی که دَ او سون دریا ایسته بود، دید که دَ اُونجی تنها یگ کِشتی آسته و عیسیٰ قد یارای خُو دَمَزُو کِشتی نرفتند، بلکه یارای شی تنها حرکت کُدد. ۲۳ لیکن دیگه کِشتی ها از تِبریه دَ نزدیکِ امو جای که مولا نان ها ره برکت دَد و مردُم خوردند، رسید. ۲۴ وختی مردُم دید که نه عیسیٰ دَ اُونجی آسته و نه یارای شی، اونا دَ منِه کِشتی های خُو سوار شده دَ کفرناحوم دَ طلبِ عیسیٰ رفت. ۲۵ وختیکه او ره دَ او سون دریا پیدا کد، اونا دَزُو گُفت: "استاد، دَ اینجی چی وخت آمدی؟"

۲۶ عیسیٰ دَ جوابِ ازوا گُفت: "ما حقیقت ره دَز شُمو مُوگم: شُمو مره موپالید، لیکن نه بخاطرِ ازی که مُعجزه ها دیدید، بلکه بخاطرِ نان های که خوردید و سیر شدید. ۲۷ بلده خوراکی که از بین موره زحمت نکشید، بلکه بلده خوراکی زحمت بکشید که تا زندگی ابدی باقی مومنه، و امو زندگی ابدی ره «باچه انسان» دَز شُمو موبخشه؛ چون آتِه مو خُدا، مَهر تأیید خُو ره دَ بله ازو زده." ۲۸ پس اونا دَ زشی گُفت: "مو باید چی کار کنی تا کارای ره که خُدا میخایه انجام بدی؟" ۲۹ عیسیٰ دَ جوابِ ازوا گُفت: "کار و رضای خُدا اینی آسته که شُمو دَمَزُو کس که خُدا ری کده، ایمان بیرید."

۳۰ اوخته اونا دَزُو گُفت: "پس تو چی مُعجزه مونی که مو او ره دیده دَز تو ایمان بیری؟ تو چیز کار بلده مو انجام میدی؟ ۳۱ بابه گلونای مو دَ بیابو «من» ره خورد، امو رقم که نوشته شده، او از آسمو دَزوا نان دَد تا که بخوره." ۳۲ اوخته عیسیٰ دَزوا گُفت: "ما حقیقت ره دَز شُمو مُوگم، او موسیٰ نَبود که از آسمو دَز شُمو نان دَد، بلکه آتِه مه آسته که نان حقیقی ره از عالمِ باله دَز شُمو میدیه. ۳۳ چون نانِ خُدا امی آسته که از عالمِ باله نازل موشه و دَ دنیا زندگی میدیه." ۳۴ اونا دَزُو گُفت: "مولا، ازی نان همیشه دَز مو بدی." ۳۵ عیسیٰ دَزوا گُفت: "ما نانِ زندگی استم؛ هر کسی که دَ دِبرِ ازمه بیبه هرگز گُشنه نموشه و هر کسی که دَز مه ایمان بیره هرگز تُشنه نموشه."

۱۹:۶ ا دَ جای «تقریباً یگ ساعت» دَ زیون یونانی «۲۵ یا ۳۰ دوره استدم» نوشته یه که دوره هر استدم یگ صد و نود و دو متر آسته و تقریباً پنج یا شش کیلومتر موشه.

۳۶ مگم امو رقم که دز شمو گفتُم، اگرچه شمو مره دیدید، ولے ایمان نمیرید. ۳۷ کسای ره که آته آسمانی دز مه میدیه، اونا طرف ازمه مییه و کسای که طرف ازمه مییه، ما هرگز اونا ره رد نمونم. ۳۸ ما از عالم باله نازل شدُم، لیکن نه بلده ازی که خاست-و-اراده خود ره د جای بیرم، بلکه خاست-و-اراده امزو ره که مره ری کده. ۳۹ و خاست-و-اراده امزو که مره ری کده اینی آسته که تمام کسای ره که او دز مه دده، ما باید هیچ کدم ازوا ره گم نکتم، بلکه د روز آخرت اونا ره زنده کتم. ۴۰ چون اراده آته مه امی آسته که هر کسی که سون باچه توخ کنه و دزشی ایمان بیره، او صاحب زندگی ابدی شنه، و ما او ره د روز آخرت زنده نمونم.

۴۱ اوخته یهودیا منه خو د باره ازو زنگ زنگ کد، چون او گفتد: "ما نانی آستم که از عالم باله نازل شده." ۴۲ و اونا گفت: "آیا امی عیسی باچه یوسف نییه که مو آته و آبه شی ره مینخشی؟ آلی او چطور موجه که 'ما از عالم باله آمدیم؟'" ۴۳ عیسی د جواب ازوا گفت: "قد یگدیگه خو زنگ زنگ نکنید. ۴۴ هیچ کس د دیر ازمه آمده نمیتنه، سیوا که آته آسمانی که مره ری کده، او ره سون مه کش کنه و ما او ره د روز آخرت زنده نمونم. ۴۵ د کتابای انبیا نوشته یه که اونا پگ شی د وسیله خدا تعلیم دده موشه."

پس هر کسی که از آته آسمانی میسنوه و یاد میگیره سون ازمه مییه. ۴۶ هیچ کس آته آسمانی ره ندیده، بغير از کسی که از طرف خدا آسته؛ او آته ره دیده. ۴۷ ما حقیقت ره دز شمو موگم: هر کسی که دز مه ایمان بیره، زندگی ابدی نصیب شی موشه. ۴۸ ما نانی زندگی آستم. ۴۹ بابه کلونای شمو «من» ره د بیابو خورد، ولے مُرد. ۵۰ لیکن نانی که د اینجی آسته از عالم باله نازل شده و هر کسی که ازی بخوره نمومره. ۵۱ ما امو نانی زنده آستم که از عالم باله نازل شد؛ هر کسی که ازی نان بخوره همیشه زنده مومنه و نانی ره که ما بلده زندگی مردم دنیا میدم، جسم مه آسته. ۵۲ پس یهودیا قد یگدیگه خو جنجال ره شروع کده گفت: "چی رقم ای آدم میتنه که جسم خو ره دز مو بدیه تا مو بخوری؟" ۵۳ مگم عیسی دزوا گفت: "ما حقیقت ره دز شمو موگم، تا وختیکه شمو از جسم «باچه انسان» نخورید و از خون شی وچی نکنید د وجود خو زندگی ندرید. ۵۴ هر کسی که جسم مره موخوره و خون مره وچی مونه، او زندگی ابدی دره و ما او ره د روز آخرت زنده نمونم، ۵۵ چراکه جسم مه نان حقیقی و خون مه وچی کدنی حقیقی آسته. ۵۶ هر کسی که جسم مره موخوره و خون مره وچی مونه، او دز مه مومنه و ما دزو. ۵۷ امو رقم که آته زنده مره ری کده و ما د وسیله آته زنده آستم، دزمی رقم هر کسی که جسم مره بخوره او ام د وسیله ازمه زنده مومنه. ۵۸ اینمی نانی آسته که از عالم باله نازل شده و رقم نانی نییه که بابه کلونای شمو خورد، ولے مُرد. هر کسی که ای نان ره بخوره، او همیشه زنده مومنه. ۵۹ ای چیزا ره عیسی د کفرناحوم وختیکه د عبادتخانه تعلیم میدد، گفت.

۶۰ پس غدر پیروای شی وختی ای توره ره شنید، گفت: "ای گب کلو سخت آسته؛ کی میتنه که ای ره گوش کنه؟" ۶۱ مگم وختی عیسی احساس کد که پیروای شی د باره ازی توره زنگ زنگ مونه، او دزوا گفت: "آیا ای توره باعث زنجش شمو شده؟" ۶۲ پس اگه «باچه انسان» ره بنگرید که د جای سابقه خو باله مور، چی موبند؟ ۶۳ روح آسته که زندگی میدیه، جسم کدم فایده ندره. تورای که ما قد شمو گفتیم روح و زندگی یه. ۶۴ مگم بعضی از شمو آسته که ایمان نمیره. "چون عیسی از اول میدنست که کدم کسا ایمان نمیره و کی او ره د گیر میدیه. ۶۵ اوخته او گفت: "امزی خاطر ما دز شمو گفتدم که هیچ کس د دیر ازمه آمده نمیتنه سیوا که آته آسمانی امو توانایی ره دزو بدیه." ۶۶ بعد ازو غدر پیروای شی پس دور خورد و دیگه از دُمال ازو نرفت. ۶۷ اوخته عیسی دمرزو دوازده یار گفت: "نه که شمو ام میخاید بورید، یا نمورید؟" ۶۸ شمعون پترس د جواب شی گفت: "یا مولا، مو پیش کی بوری؟ تنها تو توره های زندگی ابدی دری، ۶۹ و مو ایمان اوردی و شنخته که تو امو مقدس خدا آستی." ۷۰ عیسی د جواب ازو گفت: "آیا ما شمو دوازده نفر ره انتخاب نکدیم؟ د حالیکه یکی از شمو شیطو آسته." ۷۱ ای ره د باره یهودا باچه شمعون اسخربوطی گفت، چون او یکی امزو دوازده یارا و کسی بود که عیسی ره د آینده د گیر میدد.

عیسی و برارون شی

۱ بعد ازی چیزا عیسی د جلیلیه گشت-و-گذار موكد و نمیخاست که د ملک یهودیه سفر کنه، چراکه یهودیا د قصد کشتون شی بود. ۲ امی که عید یهودیا، یعنی عید چبری ها نزدیک شد، ۳ برارای عیسی دزشی گفت: "اینجی ره ایله گو و د یهودیه بورو تا پیروای تو کارای ره که تو مونی بنگره، ۴ چون هر کسی که بخایه معلوم شنه، او تاشکی کار نمونه. اگه امی کارا ره مونی، خود ره د دنیا معلوم گو." ۵ حتی برارای شی ام دزشی ایمان نوردد. ۶ پس عیسی دزوا گفت: "وخت ازمه تا آلی ره نمده؛ مگم بلده شمو هر وخت مناسب آسته. ۷ دنیا از شمو نفرت نمونه، مگم از مه نفرت مونه، چراکه ما د باره ازو شهادی میدم که کارای شی بد آسته. ۸ شمو دزمی عید بورید؛ ما آلی نمورم، چراکه وخت ازمه تا آلی ره پوره نشده." ۹ امی چیزا ره دزوا گفته د جلیلیه مند.

۵۳:۶ ا بده معنای امزی آیه د متی ۲۶:۲۶-۲۹ و یا لوقا ۲۲:۱۷-۲۰ رجوع کنید. ^b ۵۷:۶ «آته زنده» یعنی «خدا».

عیسی د اورشلیم

۱۰ لیکن بعد ازی که برارون شی بلده عید د اورشلیم رفت، او ام رفت، مگم نه برملا، بلکه تاشکی. ۱۱ یهودیا د روزای عید او ره موبالید و موگفت: "او د کجا بشه؟" ۱۲ د مینکل مردم د باره ازو کلو شک شکک بود؛ بعضی ها موگفت: "او یگ آدم خوب آسته." مگم دیگران شی موگفت: "نه، او مردم ره گمراه مونه." ۱۳ مگم از ترس یهودیا هیچ کس د باره ازو برملا توره نئوگفت.

۱۴ نیم عید تیر شدد که عیسی د خانه خدا رفته تعلیم خو ره شروع کد. ۱۵ اوخته یهودیا خیرو منده گف: "ای آدم چطور نوشته های مقدس ره موفامه، د حالیکه هرگز تعلیم نیافته؟" ۱۶ عیسی د جواب ازوا گف: "تعلیمی که ما میدیم از مه نیبه، بلکه امزو آسته که مره ری کده. ۱۷ اگه کسی بخایه خاست-و-اراده ازو ره د جای بیره، اوخته او د باره تعلیم ازمه موفامه که از طرف خدا آسته یا ما از پیش خود خو نقل موئم. ۱۸ کسی که از خود خو نقل مونه، او بزرگی خود خو ره میخایه، مگم کسی که بزرگی ری کونده خو ره طلب مونه، او آدم راست آسته و دزو ناراستی-و-بدی وجود ندره.

۱۹ آیا موسی شریعت ره دز شمو ندده؟ مگم هیچ کدم شمو شریعت ره د جای نمیرید. پس چرا د پشت یگ فرصت میگردید تا مره بکشید؟" ۲۰ مردم د جواب شی گف: "تو چندی شدی؛ کی میخایه تو ره بکشه؟" ۲۱ عیسی د جواب ازوا گف: "ما یگ معجزه کدم^۳ و پگ شمو خیرو مندید. ۲۲ د حالیکه موسی حکم ختنه ره دز شمو دد -- البته او نه از موسی، بلکه از بابه کلونا منده -- و شمو یگ آدم ره د روز آرام ختنه مونیید، ۲۳ پس اگه یگ آدم د روز آرام ختنه موشه تا که شریعت میده نشنه، چرا شمو بخاطری که ما تمام جسم یگ آدم ره د روز آرام شفا ددیم د بله مه قار آستید؟ ۲۴ قضاوت ظاهری نکنید، بلکه صادقانه قضاوت کنید!"

۲۵ بعضی مردم اورشلیم گف: "آیا ای امو آدم نیبه که اونا میخایه او ره بکشه؟ ۲۶ اینه، ای خو برملا توره موگیه و اونا او ره هیچ چیز نموگه. نه که کنه کلونا واقعاً میدنه که ای امو مسیح آسته، یا نمیدنه؟ ۲۷ و له مو میدنی که او از کجا یه. د عین حال وختیکه مسیح ظهور مونه هیچ کس پی نموفته که او از کجا آمده." ۲۸ اوخته عیسی که د خانه خدا دزو تعلیم میدد د آواز بلند اعلان کده گف: "شمو مره مینخشید و ام خبر درید که از کجا آستم. ما از پیش خود خو نمدم، لیکن امو که مره ری کده حق آسته و شمو او ره نمینخشید. ۲۹ ما او ره مینخشتم، چرا که ما از طرف ازو آمدیم و او مره ری کده." ۳۰ بخاطر امزی توره ها اونا میخواست او ره دستگیر کنه، مگم هیچ کس د بله ازو دست نندخت، چرا که هنوز وخت شی ترسیدد.

کوشش بلده گرفتار کدون عیسی

۳۱ د عین حال از مینکل مردم غدر کسا دزو ایمان آورد و گف: "وختیکه مسیح ظهور مونه، آیا او ازی آدم کده کلوتر معجزه مونه؟" ۳۲ فریسیا امو چیزای ره که مردم د باره عیسی شک شکک کده موگفت شنید و پیشوا یون عالی مقام و فریسیا چند پیره دار ره ری کد تا که او ره دستگیر کنه. ۳۳ اوخته عیسی گف: "بلده یگ مدت دیگه قد شمو آستم و بعد ازو د دیر امزو مورم که مره ری کده. ۳۴ د او غیت شمو مره موبالید، مگم پیدا نمیتنید و د جایی که ما آستم، شمو آمده نمیتنید." ۳۵ پس یهودیا قد یگدیگه خو گف: "ای آدم د کجا ری یه که مو او ره پیدا نمیتنی؟ نه که میخایه د پیش یهودیای بوره که د مینکل یونانیا تیت پرک آسته تا د یونانیا تعلیم بدیه، یا نوره؟ ۳۶ خی او چی مقصد دره که موگیه: 'شمو مره موبالید، و له پیدا نمیتنید' و ام موگیه، د جایی که ما آستم شمو آمده نمیتنید؟"

۳۷ د روز آخر عید، یعنی د روز بزرگ، عیسی ایسته شد و اعلان کده گف: "کسی که نشنه یه، بیل که د دیر ازمه بیبه و وچی کنه. ۳۸ کسی که دز مه ایمان بیره، امو رقم که نوشته های مقدس موگیه، از درون ازو جوی های آب حیات جاری موشه." ۳۹ ای ره د باره روح القدس گف، چون هر کسی که دزو ایمان بیره روح القدس دز شی دده موشه. و له روح القدس تا هنوز عطا نشدد، چرا که عیسی تا او غیت د بزرگی-و-جلال خو ترسیدد.

۴۰ بعضی کسا از مینکل مردم وختیکه امی تورا ره شنید، گف: "د راستی، ای آدم امو پیغمبر آسته." ۴۱ بعضی مردم دیگه گف: "ای آدم امو مسیح آسته." و یگ تعداد دیگه گف: "مسیح خو از جلیلیه نیبه، یا میبه؟ ۴۲ آیا نوشته های مقدس نگفته که مسیح از نسل داوود و از بیت-لحم میبه، از آغیلی که داوود د اونجی زندگی موکد؟" ۴۳ پس از خاطر عیسی د بین مردم تفرقه افتد. ۴۴ بعضی ازوا میخواست که او ره دستگیر کنه، مگم هیچ کس د بله ازو دست نندخت.

۲۱:۷ ا ازی که عیسی د روز آرام، یعنی د روز شمیبه معجزه کدد، بلده پگ ازوا عجیب معلوم شدد، چون نظر د شریعت موسی د روز آرام هیچ کس حق هیچ کار ره ندخت.

بے ایمانی کتھ کلونای یهود

۴۵ وختیکه پیره دارا د دیر پیشوایون عالی مقام و فریسیا پس آمد، اونا از پیره دارا پُرسان کده گُفت: "چرا او ره نوردید؟" ۴۶ پیره دارا د جواب ازوا گُفت: "تا آلی ره هیچ کس رقم امزی آدم وری توره نگفته." ۴۷ اوخته فریسیا دزوا گُفت: "نه که شمو ام گمراه شدید، یا نشدید؟" ۴۸ آیا یکی از کتھ کلونا یا فریسیا دزوا ایمان اُورده؟ نه! ۴۹ لیکن امی مردم که شریعت ره نموفامه لعنتی آسته." ۵۰ نیقودیموس، امو آدم که شاو پیش عیسی آمدد و یکی ازوا بود گُفت: ۵۱ "آیا شریعت ازمو د بله یگو کس فتوا میدیه، بدون ازی که توره شی ره بشنوه و بدنه که چیز کار کده؟" ۵۲ اونا د جواب ازوا گُفت: "نه که تو ام از جلیلیه آستی، یا نیستی؟ خوب تحقیق کو و توح کو که هیچ پیغمبر از جلیلیه ظهور نکده." ۵۳ [اوخته هر کس د خانه خو رفت،

خائونی که د بدکاری گرفتار شد

۱ مگم عیسی د کوه زیتون رفت. ۲ روز دیگه شی صباح گاه، او بسم د خانه خدا آمد. د اونجی تمام مردم د پیش شی جم شد و او تاه ششسته د تعلیم ددون ازوا شروع کد. ۳ دمزو غیت عالمای دین و فریسیا یگ خائو ره که د زناکاری گرفته شدد اورد. اونا او ره د غول مردم ایستلجی کد ۴ و د عیسی گُفت: "استاد، ای خائو د حین زنا گرفته شده. ۵ د مطابق شریعت، موسی حکم دده که ای رقم خائونو باید سنگسار شنه. آلی تو دزی باره چی موگی؟" ۶ اونا ای توره ره بلده امتحان د عیسی گُفت تا که د خلاف شی یگو دلیل پیدا کنه. لیکن عیسی سر خو ره تا اندخته قد ناخون خو د زمی نوشته موكد. ۷ وختیکه اونا دزو سوال کده مورفت، عیسی یگ دفعه سر خو ره باله کد و گُفت: "امو کس که د بین شمو بے گناه یه، سنگ اول ره امو بزنه." ۸ و بسم سر خو ره تاه اندخته د زمی د نوشته کدو شد. ۹ وختیکه اونا ای توره ره شنید از پیرترین شروع شد و پگ ازوا، یکه یکه بر شده رفت و د آخر فقط عیسی و امو خائو که د غول ایسته بود مند. ۱۰ اوخته عیسی خود ره رست کده دزو گُفت: "او خائو، اونا کجا شد؟ آیا هیچ کس تو ره محکوم نکد؟" ۱۱ خائو گُفت: "نه صاحب، هیچ کس." پس عیسی گُفت: "ما ام تو ره محکوم نمونم. د راه خو بورو و بعد ازی دیگه گناه نکو." [b

عیسی نور دنیا آسته

۱۲ عیسی بسم د مردم گُفت: "ما نور دنیا آستم. کسی که از مه پیروی کنه د تریکی پای نمیله، بلکه نور زندگی میدشته بشه." ۱۳ اوخته فریسیا دزو گُفت: "تو د باره خود خو شاهدی میدی؛ شاهدی تو راست نییه." ۱۴ عیسی د جواب ازوا گُفت: "حتی اگه ما د باره خود خو شاهدی میدم، شاهدی مه راست آسته، چرا که ما خبر دزم از کجا آمدیم و د کجا مورم. مگم شمو خبر ندرید که ما از کجا آمدیم و د کجا مورم." ۱۵ شمو د مطابق فکر انسانی خو قضاوت مونیید. ما هیچ کس ره قضاوت نمونم. ۱۶ ولے اگه ما قضاوت ام کنم، قضاوت مه صحیح آسته، چرا که ما د قضاوت کدو تنها نییم، بلکه ما و آته آسمانی که مره ری کده قتی قضاوت مونی. ۱۷ د شریعت شمو نوشته یه که شاهدی دو نفر د باره یگو چیز راست آسته. ۱۸ ما خود مه د باره خو شاهدی میدم و آته که مره ری کده، او ام د باره مه شاهدی میدیه. ۱۹ اوخته اونا دزو گُفت: "آته تو کجا یه؟" عیسی د جواب ازوا گُفت: "شمو نه مره مینخشید و نه آته مره. اگه مره مینخشیدید آته مره ام مینخشیدید." ۲۰ ای توره ها ره عیسی د بیت المال خانه خدا د حالیکه مردم ره تعلیم میدد، گُفت. ولے هیچ کس او ره گرفتار نکد، چرا که وخت شی هنوز نرسیدد.

عیسی از رفتو د عالم باله توره موگه

۲۱ پس عیسی بسم دزوا گُفت: "ما مورم و شمو مره مویالید و د گناه خو مورید. د جایی که ما مورم شمو آمده نمیتنید." ۲۲ بعد ازوا یهودیا د بین خو گُفت: "او کو خود کُشی نمونه، یا موکنه؟ چون او موگه که د او جای که ما مورم شمو آمده نمیتنید." ۲۳ عیسی دزوا گُفت: "شمو د عالم پابن تعلق درید و ما د عالم باله؛ شمو ازی دنیا آستید، ولے ما ازی دنیا نییم." ۲۴ امزی خاطر ما دز شمو گُفتیم که شمو د گناه های خو مورید. اگه باور نکنید که ما امو آستم، شمو د گناه های خو مورید." ۲۵ اونا دزو گُفت: "تو کی آستی؟" عیسی دزوا گُفت: "امو که از اول قد شمو گُفتیم. ۲۶ ما چیزای عذر دزم که د باره از شمو بگم و قضاوت کنم. لیکن امو که مره ری کده حق آسته و تورای که ما ازو شنیدیم اونا ره د دنیا موگم." ۲۷ مگم مردم نموفامید که او د باره آته آسمانی دزوا موگیه. ۲۸ پس عیسی گُفت: "وختیکه شمو «باچه انسان» ره باله کدید او

a ۵۳:۷ بعضی نسخه های قدیمی و معتبر از ۵۳:۷ تا ۱۱:۸ ره ندره. b ۱۱:۸ بعضی نسخه های قدیمی و معتبر از ۵۳:۷ تا ۱۱:۸ ره ندره. c ۲۴:۸ بلده فامیدون «ما امو آستم» د کتاب خروج فصل ۳ آیه ۱۴ رجوع کنید.

غَيْتِ مُوفَامِيدِ كِه ما اُمُو اَسْتَمُ و ما هِيچِ كارِ رِه خودسرانه نَمُونُم، بَلَكِه چيزايِ رِه كِه آتِه آسماني دَزِ مِه يادِ دَدِه، اونا رِه دَزِ شَمُو مُوگَم. ۲۹ اُمُو كِه مَرِه رِبِي كَدِه قَدِ اَزْمِه قَتِي اَسْتِه. اُو مَرِه تَنها نَه ايشْتِه، چُونِ ما هَميشه كارايِ رِه اِنجامِ مِيدِيْم كِه باعِثِ خُوشي و رِضايَتِ اَزُو مُوشِه.

آزادی از گناه

۳۰ وختيکه عيسی اُمُو توره ها رِه گُفت، عَدَرِ مَرْدُمِ دَزُو ايمانِ اُورِد. ۳۱ پس اُو دَمَزُو يَهُودِيايِ كِه دَزِشِي ايمانِ اُورِدَد گُفت: "اگِه شَمُو دَ كَلَامِ اَزْمِه پايِنْدِ بُمَنيد، شَمُو پيرَوایِ واقعي مِه مُوشيد ۳۲ و حقيقتِ رِه مُوفاميد و حقيقتِ شَمُو رِه آزادِ مونه." ۳۳ اونا دَزُو گُفت: "مو اولادِه ابراهيمِ اَسْتِي و هِيچِ وختِ غَلَامِ كَسِ نَبُودِ. پس چطورِ مُوگِي كِه 'شَمُو آزادِ مُوشيد؟'"

۳۴ عيسی دَ جوابِ اَزوا گُفت: "ما حقيقتِ رِه دَزِ شَمُو مُوگَم، هر كَسِي كِه گُناهِ كُنِه، اُو بِنْدِه گُناهِ اَسْتِه. ۳۵ غَلَامِ بَلْدِه تَمَامِ عُمَرِ دَ خانِه صاجِبِ خُو نَمُونِه، مگَم باچِه هَميشه دَ خانِه مُونِه. ۳۶ پس اگِه باچِه شَمُو رِه آزادِ كُنِه، شَمُو واقعاََ آزادِ مُوشيد.

۳۷ ما مِيدَنُم كِه شَمُو اولادِه ابراهيمِ اَسْتيد، ليكِنِ شَمُو دَ پُشتِ يِگِ فرصتِ مِيگرديد تا مَرِه بَكُشيد، چراكِه كَلَامِ اَزْمِه دَ سِينِه شَمُو جايِ نَدَرِه.

۳۸ چيزايِ رِه كِه ما دَ حُضُورِ آتِه خُو دِيدِمْ دَزِ شَمُو مُوگِيم و شَمُو اَمِ چيزايِ رِه كِه از آتِه خُو شِينيد، اِنجامِ مِيديد. ۳۹ اونا دَ جوابِ شِي گُفت: "آتِه از مو ابراهيمِ اَسْتِه." عيسی دَزوا گُفت: "اگِه اولادِه ابراهيمِ مُوبُوديد، شَمُو رَقْمِ اَزُو وَرِي عَمَلِ مُوكِيديد. ۴۰ ما آدمي اَسْتَم كِه تورايِ حقيقتِ رِه كِه از خُدا شِينيد دَزِ شَمُو گُفتيم، مگَم آلي شَمُو دَ پُشتِ يِگِ فرصتِ مِيگرديد تا مَرِه بَكُشيد؛ ابراهيمِ اِيِ كارا رِه نَمُوكِد. ۴۱ شَمُو كارايِ آتِه خُو رِه مُونيد." اونا دَزُو گُفت: "مو حرامزاده نِيسْتِي؛ مو فقط يِگِ آتِه دَرِي كِه اُو خُدا اَسْتِه." ۴۲ عيسی دَزوا گُفت: "اگِه خُدا آتِه شَمُو مُوبُود، شَمُو مَرِه دوستِ مِيدَشْتيد، چراكِه ما از طرفِ خُدا رِبِي شُدِمْ و اَمَدِمْ. ما از پيشِ خُو خُو نَه اَمَدِمْ، بَلَكِه خُدا مَرِه رِبِي كَدِه. ۴۳ بچِي توره مَرِه پِي نَمُوبريد؟ چراكِه طاقتِ شِينيدونِ توره مَرِه نَدريد. ۴۴ شَمُو از آتِه خُو اِيليسِ اَسْتيد و ميخاهيد آرزوهايِ آتِه خُو رِه پُورِه كُنيد. اُو از شُرُوعِ يِگِ قاتِلِ بُوَد و دَ راستي-و-حقيقتِ پايِنْدِ نيبِه، چراكِه راستي دَزُو هِيچِ وُجُودِ نَدَرِه. هر غَيْتِيكِه دروغِ مُوگِه، اُو از ذاتِ خُو نقلِ مونه، چُونِ اُو دروغگوِي و آتِه هر قِسْمِ دروغِ اَسْتِه. ۴۵ مگَم ما كِه حقيقتِ رِه مُوگَم شَمُو دَزِ مِه باورِ نَمُونيد. ۴۶ كَدَمِ اَز شَمُو مِينْتِه مَرِه بخاطرِ يِگُو گُناهِ مَحْكُومِ كُنِه؟ پس اگِه ما راستِ مُوگَم چرا دَزِ مِه باورِ نَمُوكُنيد؟ ۴۷ كَسِي كِه از خُدا يِه تورايِ خُدا رِه مِيشِنَوِه. دليلِي كِه شَمُو تورايِ خُدا رِه نَمِيشِنويد اِيِ اَسْتِه كِه شَمُو از خُدا نِيسْتيد."

۴۸ يَهُوديا دَ جوابِ اَزُو گُفت: "اِيَا مو دُرُستِ نَكُفتِي كِه تُو يِگِ سامِرِي و جِنْدِي اَسْتِي؟" ۴۹ عيسی دَ جوابِ اَزوا گُفت: "ما جِنْدِي نِيبُم، بَلَكِه دَ آتِه خُو اِحْتِرامِ مُونُم، ولِه شَمُو دَزِ مِه بِه اِحْتِرامِي مُونيد. ۵۰ ما دَ طَلَبِ بَزُرْگِي بَلْدِه خُو نِيبُم؛ مگَم يِگِ دِيگِه طَلَبِگارِ بَزُرْگِي مِه اَسْتِه كِه اُو قضاوتِ كُننده يِه. ۵۱ ما حقيقتِ رِه دَزِ شَمُو مُوگَم، كَسِي كِه از كَلَامِ مِه اِطاعتِ كُنِه، اُو هر كِزِ رُويِ مَرگِ رِه نَمِينِگرِه." ۵۲ يَهُوديا دَزُو گُفت: "آلي مو فاميدي كِه تُو جِنْدِي اَسْتِي. ابراهيمِ فُوتِ كَدِ و تَمَامِ پِيغَمبرا مَرْدِ، ولِه تُو مُوگِي 'هر كَسِي كِه توره مَرِه نِگاهِ كُنِه، اُو هر كِزِ مَرگِ رِه نَمِيچِشِه.' ۵۳ تُو خُو از آتِه مو ابراهيمِ كِه فُوتِ كَدِ و از پِيغَمبرا يِ كِه مَرْدِ بَزُرْگَتَرِ نِيسْتِي، يا اَسْتِي؟ تُو خُو رِه چِي فِكرِ مُونِي؟" ۵۴ عيسی گُفت: "اگِه ما خودِ رِه بَزُرْگِ و مُعْتَبَرِ نَشُو بَدَم، بَزُرْگِي مِه هِيچِ چيزِ نيبِه. مگَم آتِه مِه، اُمُو كِه شَمُو خُدايِ خُو مُوكِيد، اُو مَرِه بَزُرْگِي-و-جلالِ مِيدِيه ۵۵ و شَمُو اُو رِه نَمِينِخَشِيد، ليكِنِ ما اُو رِه مِينِخَشُم. اگِه بُوگَم كِه اُو رِه نَمِينِخَشُم ما اَمِ رَقْمِ از شَمُو آلي دروغگوِي مُوشُم. مگَم ما اُو رِه مِينِخَشُم و از كَلَامِ شِي اِطاعتِ مُونُم. ۵۶ آتِه شَمُو ابراهيمِ خُوشِ بُوَد كِه روزِ اَمْدُونِ مَرِه دَزِي دُنيا بِنِگرِه. اُو اُمُو روزِ رِه دِيدِ و خوشحالِ شُد. ۵۷ پس يَهُوديا بَسْمِ دَزُو گُفت: "تُو تا آلي رِه بِنِجاهِ سالِه نَشُدِه، چطورِ ابراهيمِ رِه دِيدِي؟" ۵۸ عيسی دَزوا گُفت: "ما دَزِ شَمُو راستِ مُوگَم، پيشِ اَزِي كِه ابراهيمِ تَوْلِدِ شُنِه، «ما اَسْتَم!»" ۵۹ a پس اونا سَنگا رِه گِرِفت تاكِه عيسی رِه بَزَنِه، مگَم اُو خودِ رِه تاشِه كَدِ و از خانِه خُدا بَرُ شُدِه رِفْت.

يگِ آدَمِ كُورِ پينا مُوشِه

۹ دَ حالِيكِه اُو رِبِي بُوَد، يِگِ آدَمِ رِه دِيدِ كِه از رَحْمِ آبِه خُو كُورِ دَ دُنيا اَمَدُد. ۱ يارايِ شِي اَزُو پُرسانِ كَدِه گُفت: "اَسْتاد، گُناهِ كِي بُوَدِه كِه اِيِ آدَمِ كُورِ تَوْلِدِ شُدِه؟ از خودِ شِي يا از آتِه و آبِه شِي؟" ۲ عيسی دَ جوابِ اَزوا گُفت: "نَه اِيِ آدَمِ گُناهِ كَدِه و نَه آتِه و آبِه شِي، بَلَكِه اِيِ كُورِ تَوْلِدِ شُدِه تا كارايِ خُدا دَ وسيلِه شِي بَرْمَلَا شُنِه. ۳ تا وختيکه روزِ اَسْتِه، مو بايدِ كارايِ اَمْرُو رِه اِنجامِ بَدِي كِه مَرِه رِبِي كَدِه. شاو ميبِه دَ اُو غَيْتِ هِيچِ كَسِ كارِ كَدِه نَمِينْتِه. ۴ تا وختيکه ما دَ دُنيا اَسْتَم، نُورِ دُنيا اَسْتَم." ۵ اِيِ چيزا رِه كِه گُفت، دَ بَلِه زَمِي تَفِ كَدِ و قَدِ تَفِ خُو يِگِ مَقْدارِ لِيِ جُورِ كَدِه دَ بَلِه چيمايِ اَزُو آدَمِ كُورِ مَلِيدِ ۶ و دَزُو گُفت: "بُورُو، چيمايِ خُو رِه دَ حَوْضِ سِيلُوحا بَشُوي." "سِيلُوحا" يعنِي «رِبِي شُدِه.» پس اُو رِفْتِه چيمايِ خُو رِه شُشتِ و پينا شُدِه پس اَمَد.

a ۵۸:۸ بَلْدِه فامِيدونِ «ما اَسْتَم» دَ كِتَابِ خُرُوجِ فَصْلِ ۳ آيِه ۱۴ رُجُوعِ كُنيد.

۸ همسایه‌گو و کسای که پیش از او ره بحیث یگ گدایگر کور مینخشید، قد یگدیگه خو گُفت: "آیا ای امو آدم نیبه که ششته گدایگری موکد؟" بعضی ها گُفت: "امو آسته." ولی بعضی های دیگه شی گُفت: "نه، او نیبه، مگم رقم امزو آلی آسته." لیکن او خود شی گُفت: "ما امو آدم آستم." ۱۰ اوخته اونا ازو پرسان کده گُفت: "پس چیمای تو چطور بینا شد؟" ۱۱ او د جواب ازوا گُفت: "امو آدم که عیسی نام دره، گل جور کده د بله چیمای مه ملید و دز مه گُفت که 'بورو، د حوض سیلوحا بشوی.' پس ما رفته ششتم و بینا شدیم." ۱۲ اوخته اونا دزو گُفت: "او نفر د کجا آسته؟" او گُفت: "ما چی خبر درم!"

سوال و جواب فریسیا د باره شفای آدم کور

۱۳ اونا امو آدم ره که سابق کور بود، د پیش فریسیا برد. ۱۴ دمزو روز که عیسی گل جور کده چیمای ازو آدم ره بینا کدد، روز آرام بود. ۱۵ پس فریسیا ام ازو نفر پرسان کده گُفت: "چطور بینا شدی؟" و او دزوا گُفت: "عیسی د بله چیمای مه گل ملید، ما ششتم و آلی مینگرم." ۱۶ اوخته بعضی از فریسیا گُفت: "ای آدم از طرف خدا نیبه، چرا که روز آرام ره احترام نکرده." لیکن دیگای شی گُفت: "یگ آدم گناهکار چطور میتنه ای رقم معجزه کنه؟" پس اونا مننه خو دو شق شد. ۱۷ اونا بسم از آدمی که سابق کور بود پرسان کده گُفت: "تو د باره امزو آدم چی موگی، امو که چیمای تو ره واز کده؟" او گُفت: "او یگ پیغمبر آسته." ۱۸ مگم یهودیا باز ام د توره ازو باور نکد که او کور بوده و بینا شده، تا غیبتیکه آته و آبه ازو آدم بینا شده ره کوی کد ۱۹ و ازوا پرسان کده گُفت: "آیا امی باچه شمو آسته که موگید کور د دنیا آمده؟" پس آلی چطور مینگره؟" ۲۰ آته و آبه شی د جواب ازوا گُفت: "مو میدنی که ای باچه مو آسته و کور د دنیا آمده. ۲۱ مگم ای که آلی او چطور مینگره، مو خبر نداری و ای ره ام نمیدنی که کی چیمای شی ره واز کده. از خود شی پرسان کنید. او جوان شده؛ جواب خو ره خود شی میدیه." ۲۲ امی توره ره آته و آبه شی از ترس یهودیا گُفت، چون یهودیا گاه موافقت کدد که اگه کسی اقرار کنه که عیسی امو مسیح آسته، او ره از عبادت خانه بر مونه. ۲۳ امزی خاطر آته و آبه شی گُفت: "او جوان شده، از خود شی پرسان کنید."

۲۴ پس اونا دفعه دوم امو آدم ره که سابق کور بود، کوی کده گُفت: "خدا ره ستایش-و-تمجید کو! مو میدنی که امو آدم یگ آدم گناهکار آسته." ۲۵ او د جواب ازوا گُفت: "ما نموفامم که او یگ آدم گناهکار آسته یا نه. لیکن یگ چیز ره ما میدنم: ما کور بودم و آلی مینگرم." ۲۶ اونا دزو گُفت: "او قد از تو چی کار کد؟ چطور چیمای تو ره واز کد؟" ۲۷ او د جواب ازوا گُفت: "ما پیشتر دز شمو گُفتم، مگم شمو گوش نکدید. چرا میخاید که دوباره بشنوید؟ نه که شمو ام میخاید پیرو ازو شنید، یا نموشید؟" ۲۸ اوخته اونا او ره د زده گُفت: "تو پیرو امزو آدم آستی! مو پیروای موسی یی." ۲۹ مو میدنی که خدا قد موسی توره گُفته، لیکن د باره امزو آدم، مو نموفامی که از کجا آمده." ۳۰ آدمی که سابق کور بود د جواب ازوا گُفت: "ای یگ گپ عجیب آسته که شمو پی نموفتید او از کجا آمده، د حالیکه او چیمای مره واز کده." ۳۱ مو میدنی که خدا دعای آدم گناهکار ره نمیشنوه، مگم کسی که خدا ره عبادت مونه و خاست-و-اراده ازو ره د جای میره، دعای ازو شخص ره میشنوه. ۳۲ از ابتدای عالم تا آلی ره شنیده نشده که یگو کس چیمای آدمی ره که کور د دنیا آمده، واز کنه. ۳۳ اگه ای آدم از طرف خدا نموبود، هیچ کاری کده نمی‌تنت. ۳۴ فریسیا د جواب ازو گُفت: "تو که کاملاً د گناه تولد شدی، آیا تو مو ره تعلیم میدی؟" پس اونا او ره ازونجی بر کد. ۳۵ وختی عیسی خبر شد که اونا امو آدم ره بر کده، او امو نفر ره پیدا کده گُفت: "آیا تو د «باچه انسان» ایمان دری؟" ۳۶ او نفر د جواب شی گُفت: "صاحب، او کی آسته، تا که ما دز شی ایمان بیرم؟" ۳۷ عیسی دزو گُفت: "تو او ره امی آلی مینگری و او کسی آسته که قد از تو دزو توره موگیه." ۳۸ او گُفت: "یا مولا، ما ایمان آوردیم، و عیسی ره سجده کد."

۳۹ اوخته عیسی گُفت: "ما بلده قضاوت د ای دنیا آمدیم تا کسای که کور آسته بینا شنه و کسای که خود ره بینا فکر مونه، کور شنه." ۴۰ بعضی از فریسیا که قد شی یگ جای بود و ای چیزا ره شنید، گُفت: "آیا تو موگی که مو ام کور آستی؟" ۴۱ عیسی دزوا گُفت: "اگه شمو کور نموبودید گناه شمو نبود، لیکن آلی که شمو موگید 'مو مینگری، گناه شمو باقی مومنه'."

مثل چوپون نیکو

۱ "ما حقیقت ره دز شمو موگم، نفری که از درگه د قوتون گوسپندو در نمیه، بلکه از یگو راه دیگه باله شده داخل موشه، او دز و قلغی آسته. ۲ مگم کسی که از درگه در میبه، او چوپون امزو گوسپندو یه. ۳ دمزو نفر درگه وان درگه ره واز مونه و گوسپندو آواز ازو ره میشنوه و او گوسپندوی خو ره نام گرفته کوی مونه و اونا ره برو موبره. ۴ غیبتیکه گوسپندوی خو ره برو موبره، او پیش پیش ازوا موره و

گوسپندو او ره دُمال مونه، چراکه اونا آواز شی ره مینخشه. ^۵ اونا از پس یگو نفر بیگنه نَموره، بلکه ازو تور مُوخوره، چراکه اونا آواز بیگنه گو ره نَمینخشه. " عیسی امی مثل ره دزوا نقل کد، مگم اونا امو چیزا ره که او گُفت، نَفامید.

^۷ پس عیسی بسم گُفت: "ما حقیقت ره دز شمو مَوگم، ما درگه گوسپندو آستم. ^۸ تمام کسای که از مه پیش آمد، دز و قُلغی بود؛ امزی خاطر گوسپندو د توره ازوا گوش نکد. ^۹ ما درگه آستم، هر کسی که از طریق ازمه داخل بییه، او نجات پیدا مونه و برو و درو رفته علفچر پیدا مونه. ^{۱۰} دز تنها بلده دزی کدو، کُشتو و بیرو کدو مییه؛ ولی ما بلده ازی آمدم تاکه اونا زندگی دشته بشه و از زندگی کامل برخوردار شنه.

^{۱۱} ما چوپون نیکو آستم؛ چوپون نیکو جان خو ره د راه گوسپندو میدیه. ^{۱۲} مگم یگ کراکار که چوپو نییه و گوسپندو مربوط شی نموشه، او آمدون گرگ ره مینگره، ولی گوسپندو ره ایله کده دوتا مونه و گرگ د سر ازوا حمله کده اونا ره تیت پرک مونه. ^{۱۳} امو کراکار دوتا مونه، چراکه او یگ کراکار آسته و د غم گوسپندو نییه.

^{۱۴} ما چوپون نیکو آستم و گوسپندوی خو ره مینخشم و گوسپندوی مه مره مینخشه، ^{۱۵} امو رقیبکه آته آسمانی مره مینخشه و ما آته آسمانی ره مینخشم. و ما جان خو ره د راه گوسپندو میدیم. ^{۱۶} ما گوسپندوی دیگه ام دزم که اونا ازی قوتو نییه. ما باید اونا ره ام بیرم و اونا آواز مره میسنوه. اوخته اونا یگ رمه موشه و یگ چوپو میدشته بشه.

^{۱۷} آته آسمانی امزی خاطر مره دوست دره که ما جان خو ره میدم تا او ره دوباره پس بگیرم. ^{۱۸} هیچ کس ای ره از مه نمیگیره، بلکه ما خود مه ای ره میدم. ما اختیار دزم که ای ره بدیم و اختیار دزم که ای ره دوباره بگیرم. ای حکم ره آته مه دز مه دده. ^{۱۹} از خاطر امزی توره ها یهودیا بسم د بین خو تقسیم شد. ^{۲۰} عدر نفر از مینکل ازوا گُفت: "او جندی یه و دیونگی مونه؛ چرا شمو توره ازو ره گوش مونید؟" ^{۲۱} دیگر گُفت: "ای توره ها از آدم جندی نییه. جن نیتنه که چیمای آدم کور ره واز کنه، یا میتنه؟"

یهودیا عیسی ره بسم رد مونه

^{۲۲} دمرو غیت عید وقف قربانگاه د اورشلیم رسید. وخت ام زمستو بود ^{۲۳} و عیسی د خانه خدا طرف برنده سلیمان قدم میزد. ^{۲۴} اوخته یهودیا د گرد شی جم شده گُفت: "تا چی غیت مو ره اندر شک میلی؟ اگه تو مسیح آستی، دز مو واضح بگی." ^{۲۵} عیسی د جواب ازوا گُفت: "ما دز شمو گفتم و شمو باور نمونید. کارای که ما د نام آته خو موئم، اونا د باره مه شاهدی میدیه. ^{۲۶} لیکن شمو باور نمونید، چراکه شمو از جمله گوسپندوی مه نیید. ^{۲۷} گوسپندوی مه آواز مره میسنوه و ما اونا ره مینخشم و اونا از پشت مه مییه ^{۲۸} و ما دزوا زندگی ابدی میدم و اونا هیچ وخت از بین نَموره و هیچ کس ام اونا ره از دست مه گرفته نیتنه. ^{۲۹} آته مه که از پگ کده بزرگتر آسته، اونا ره دز مه دده و هیچ کس نیتنه که اونا ره از دست آته آسمانی بگیره. ^{۳۰} ما و آته یگ آستی."

^{۳۱} یهودیا بسم سنگا ره جم کد تا او ره سنگسار کنه. ^{۳۲} عیسی د جواب ازوا گُفت: "ما عدر کارای خوب از طرف آته آسمانی دز شمو نشو ددم. از خاطر کدم ازوا شمو مره سنگسار مونید؟" ^{۳۳} یهودیا د جواب شی گُفت: "بلده کارای خوب تو، تو ره سنگسار نمونی، بلکه از خاطر کفرگویی تو، چون تو که یگ انسان آستی، دعوی خدایی مونی." ^{۳۴} عیسی د جواب ازوا گُفت: "آیا د شریعت شمو امی رقم نوشته نییه که 'ما گفتم، شمو خدایو آستید؟' ^{۳۵} امکان ندره که کلام خدا باطل شنه. اگه خدا کسای ره که کلام خدا بلده ازوا نازل شد، خدایو گُفت، ^{۳۶} آیا شمو کسی ره که آته آسمانی تقدیس کده د ای دنیا ربی کد، کفرگوی موکید، فقط بخاطری که ما گفتم: 'ما باچه خدا آستم؟' ^{۳۷} اگه ما کارای آته خو ره نموکتم، دز مه ایمان نیرید. ^{۳۸} لیکن اگه ما موئم، حتی اگه دز مه ایمان نیرید، د کارای مه ایمان بیرید، تا بدنید و بفامید که آته دز مه وجود دره و ما د آته." ^{۳۹} پس اونا بسم کوشش کد که او ره گرفتار کنه، مگم او خود ره از دست ازوا خطا دده رفت.

^{۴۰} عیسی دوباره د او لب دریای اردن رفت، دمرو جای که یحیی د زمانای پیش غسل تعمید میدد و او د اونیجی مند. ^{۴۱} د اونیجی عدر مردم پیش شی آمده گُفت: "یحیی هیچ معجزه نکد، مگم هر چیزی که یحیی د باره امزی آدم گُفت، حقیقت پیدا کد." ^{۴۲} و عدر مردم د اونیجی دزو ایمان آورد.

فوت و زنده شدن ایلعازر

^۱ یگ آدم د نام ایلعازر ناجور بود. او از بیت عنیا، یعنی از آغیل مریم و خوار شی مرتا بود. ^۲ ای امو مریم بود که روغو ره د بله پایای مولا شیو کد و پایای شی ره قد موی خو پاک کد؛ و فعلاً برار شی ایلعازر ناجور بود. ^۳ اوخته امو دو خوارو د عیسی پیغام ربی کده گُفت: "یا مولا، امو کسی ره که تو دوست دری، او ناجور آسته." ^۴ وختیکه عیسی امی خبر ره شنید، گُفت: "ای ناجوری کشتنی نییه،

^a ۲۲:۱۰ امی عید ره د زیون عبرانی «خنوکا» موهیه و تقریباً د سال ۱۶۵ پیش از میلاد مسیح د وجود آمد. ^b ۲۴:۱۰ «مسیح» یعنی انتخاب شده خداوند.

بلکه بلده ازی آسته که بزرگی-و-جلال خُدا ظاهر شنه، و تا باچه خُدا د وسیله امزی واقعه بزرگی-و-جلال پیدا کنه. ^۵ عیسی مرتا و خوار شی ره قد ایلعازر دوست دشت. ^۶ وختی عیسی شنید که ایلعازر ناجور آسته، او دُو روز دیگه ام دمزو جای که بود، مند. ^۷ بعد ازو د یارای خو گُفت: ”بیید، بسم د منطقه یهودیه بوری.“ ^۸ یارای شی دزو گُفت: ”استاد، کلو وخت نموشه که یهودیا میخاست تو ره سنگسار کنه. بسم میخاهی د اونجی بوری؟“ ^۹ عیسی د جواب ازوا گُفت: ”آیا د یگ روز دوازده ساعت روشنی نییه؟ اگه یگو نفر د روشنی روز راه بوره او پیش-پایی نموخوره، چراکه او نور ازی دُنیا ره مینگره. ^{۱۰} لیکن اگه یگو کس شاو راه بگرده، او پیش-پایی موخوره، چون نور بلده^a ازو وجود ندره.“ ^{۱۱} بعد از گفتون امزی چیزا، او دزوا گُفت: ”رفیق مو ایلعازر خاو رفته، لیکن ما مورم تا او ره بیدار کنم.“ ^{۱۲} یارا دزشی گُفت: ”یا مولا، اگه او خاو رفته بنشه خوبه، او جور موشه.“ ^{۱۳} د حقیقت عیسی د باره مرگ شی نقل موكد، مگم اونا فکر کد که د باره استراحت و خاو شی نقل مونه. ^{۱۴} پس عیسی پوست کنده دزوا گُفت: ”ایلعازر مُرده. ^{۱۵} و از خاطر ازشمو خوش آستم که د اونجی نبوؤم، تاکه شمو ایمان بیرید. مگم آلی بیید که پیش شی بوری.“ ^{۱۶} پس توما که د نام «دوگنی» مشهور بود، د دیگه یارا گُفت: ”بیید که مو ام بوری تا قد ازو قتی بمری.“ ^{۱۷} وختیکه عیسی د اونجی رسید، او پی بُرد که ایلعازر چار روز شده د قبر آسته. ^{۱۸} بیت عنیا نزدیک اورشلیم بود، یعنی تقریباً چل دقه راه^b دورتر از شار، ^{۱۹} و غدر یهودیا پیش مرتا و مریم آمدد تا دزوا بخاطر برار شی تسلیت بگیه. ^{۲۰} پس وختی مرتا شنید که عیسی مییه، او سر راه شی رفت، مگم مریم د خانه ششت. ^{۲۱} مرتا د عیسی گُفت: ”یا مولا، اگه د اینجی موبودی، برار مه نمومرد. ^{۲۲} ولے حتی امیالی ام هر چیزیکه از خدا بطلبی، ما میدنم خدا دز تو میدیه.“ ^{۲۳} عیسی دزو گُفت: ”برار تو پس زنده موشه.“ ^{۲۴} مرتا دز شی گُفت: ”ما موفامم که او د آخر زمان د روز قیامت پس زنده موشه.“ ^{۲۵} عیسی دزو گُفت: ”ما قیامت و زندگی آستم؛ کسی که دز مه ایمان بیره، اگرچه او مومره، ولے زنده موشه. ^{۲۶} و کسی که زنده یه و دز مه ایمان میره، او هرگز نمومره. تو ای ره باور مونی؟“ ^{۲۷} او دز شی گُفت: ”آره مولا، ما ایمان اوردم که تو امو مسیح، یعنی باچه خدا آستی، امو کسی که دزی دُنیا آمدنی بود.“

^{۲۸} وختیکه ای ره گُفت، او رفت و خوار خو مریم ره گوی کده تاشکی دزو گُفت: ”استاد د اینجی آمده و تو ره گوی مونه.“ ^{۲۹} وختیکه مریم ای توره ره شنید، زود باله شده پیش شی رفت. ^{۳۰} تا او غیت عیسی هنوز د آغیل نه آمدد، بلکه د امزو جای بود که مرتا د دم راه شی رفتد. ^{۳۱} اوخته یهودیای که د خانه قد مریم بود و او ره تسلی میدد، وختی دید که مریم چابک باله شده برو رفت، اونا از دُمبال شی رفت و د گمان ازی بود که او د سر خاک موره تا د اونجی چخرا کنه.

^{۳۲} پس وختی مریم دمزو جای که عیسی بود رسید، او عیسی ره دیده بله پای شی افتد و گُفت: ”یا مولا، اگه تو د اینجی موبودی برار مه نمومرد.“ ^{۳۳} وختی عیسی او ره دید که چخرا مونه و یهودیای که قد شی قتی آمدد ام چخرا مونه، او د روح-و-زوان خو غدر جگرخون و کوئوبار شد ^{۳۴} و گُفت: ”او ره د کجا ایشیتید؟“ اونا دزشی گُفت: ”صاحب، بیه و توخ کو.“ ^{۳۵} عیسی د چخرا کدو شد. ^{۳۶} اوخته یهودیا گُفت: ”توخ کو، او ره چیقس دوست دشته.“ ^{۳۷} مگم بعضی ازوا گُفت: ”آیا امی آدم که چیمای امزو نفر کور ره واز کد، نمی تَست مانع مردون امزی آدم شنه؟“

^{۳۸} عیسی بسم د دل خو کلو جگرخون شده سون قبر آمد. امو قبر یگ غار بود و یگ سنگ د دان شی ایشته شدد. ^{۳۹} عیسی گُفت: ”سنگ ره یگ طرف لول بدید.“ مرتا خوار آدم مُرده د عیسی گُفت: ”یا مولا، آلی او ره بوی گرفته، چراکه چار روز از مردون شی تیر شده.“ ^{۴۰} عیسی دزو گُفت: ”دز تو نكُفتم که اگه باور کنی بزرگی-و-جلال خدا ره مینگری؟“ ^{۴۱} پس اونا سنگ ره لول دد و عیسی سر خو ره باله کده گُفت: ”ای آته آسمانی، ما از تو شکرگزار آستم که آواز مَره شنیدی. ^{۴۲} ما میدنستم که تو همیشه آواز مَره میشنوی، مگم ای ره بخاطر مردمی که د اینجی ایسته یه گُفتم تا اونا باور کنه که تو مَره ربی کدے.“ ^{۴۳} وختیکه ای چیزا ره گُفت، او د آواز بلند گوی کد: ”ایلعازر، برو بر شو!“ ^{۴۴} پس آدمی که مُرده بود، دست و پای شی قد لاته پیچ کده و روی شی قد دستمال بسته، برو بر شد. عیسی دزوا گُفت: ”او ره واز کنید و بیلید که بوره.“ ^{۴۵} اوخته غدر امزو یهودیا که قد مریم آمدد، وختی کار عیسی ره دید، دزو ایمان اورد؛ ^{۴۶} مگم بعضی ازوا پیش فریسیا رفت و کاری ره که عیسی کدد، دزوا نقل کد.

^{۴۷} پس پیشوایون عالی مقام و فریسیا مینه خو جلسه کده گُفت: ”مو چی کار کنی؟ ای آدم غدر معجزه مونه. ^{۴۸} اگه او ره بیلی که امی رقم ادامه بدیه، پگ مردم دزو ایمان میره و بعد ازو رومی ها آمده ام امی جای مقدس مو ره از بین موبیره و ام قوم مو ره.“ ^{۴۹} لیکن یکی ازوا د نام قیافا که دمزو سال پیشوای بزرگ بود، دزوا گُفت: ”شمو هیچ چیز ره نمیدنید ^{۵۰} و ام پی نموفتید که دز شمو بهتر آسته تا یگ نفر بلده قوم بمره و تمام قوم نابود نشنه.“ ^{۵۱} ای چیزا ره قیافا از پیش خود خو نكُفت، بلکه ازی که دمزو سال پیشوای بزرگ بود، او پیشگویی کد که عیسی د

^a ۱۰:۱۱ د جای «بلده ازو» د زبون یونانی «دزو» نوشته یه. ^b ۱۸:۱۱ د جای «تقریباً چل دقه راه» د زبون یونانی «دوره استدیوم» نوشته یه که دوره هر استدیوم تقریباً یگ صد و نود و دو متر آسته و تقریباً سه کیلومتر موشه.

راه قوم کشته موشه،^{۵۲} نه تنها بلده قوم، بلکه بخاطر جم کدو و یگ کدون تمام بچکیچای خدا که تیت پرک آسته.^{۵۳} پس امزو روز بعد اونا نقشه کشید که او ره بکُشه.

^{۵۴} امزی خاطر عیسی دِیگه برَملا دَ مینکلِ یهودیا نَمیگشت، بلکه ازونجی ریی شده دَ یگ جای دَ نزدیکِ بیابو، دَ یگ شار دَ نامِ افرایم رفت و قد یارای خُو دَ امونجی مند.

^{۵۵} عیدِ پَصَح از مردمِ یهود نزدیک بود و عَدر مردم از اطراف دَ اورشلیم رفتند تا که پیش از مراسمِ عیدِ پَصَح خودون خُو ره پاک کُنه. ^{۵۶} اونا عیسی ره موبالید و دَ حالیکه دَ منه خانه خدا ایسته بود قد یگدیگه خُو موگفت: "شمو چی فکر مونیید؟ او دَ عید هیچ نمیه؟ یا مییه؟"^{۵۷} چرا که پیشوایونِ عالی مقام و فریسیا حکم کُدد که اگه کس بدنه عیسی دَ کجا یه، باید خبر بدیه تا اونا او ره گرفتار کُنه.

تُحْفَه پُرآرِزِشِ مَرِیم

۱۲ پس عیسی شش روز پیش از عیدِ پَصَح دَ بیتِ عنیا، دَ آغیلِ ایلعازر آمد، دَ آغیلِ امزو کس که عیسی او ره از مُرده ها دُوباره زنده کُدد. ^۲ اونا دَ اونجی بلده شی نانِ شاو تیار کد و مرتا خدمت موكد، و لے ایلعازر یکی امزو کسای بود که قد عیسی دَ لبِ دسترخو شِشُند.

^۳ اوخته مریم یگ بوتل^a عطرِ قیمتای سُنبلِ خالص ره گرفته دَ پایای عیسی ملید و پایای شی ره قد موی خُو پاک کد و تمام خانه از بوی عطر پُر شد. ^۴ لیکن یکی از یارای عیسی دَ نامِ یهودایِ اسخربوطی که دَ زودی او ره دَ گیر میدد، گُفت: ^۵ "چرا ای عطر دَ سه صد دینار سودا نَشُد تا پیسه شی دَ غربیا دده موشد؟"^۶ او ای توره ره ازی خاطر نَگُفت که دَ غمِ مردمِ نادار بشه، بلکه بخاطری گُفت که او دُز بود و ازی که مسئولیتِ خلطه پیسه ره دشت از چیزی که منه شی اندخته موشد، میزد. ^۷ لیکن عیسی گُفت: "او ره غرض نگیر، چون او امی ره پیش از پیش بلده روز دفن شدن مه دَ جای آورده. ^۸ مردمایِ غریب همیشه قد شمو آسته، و لے ما همیشه قد شمو نیستُم."

^۹ عَدر مردمِ یهود وختی خبر شد که عیسی دَ اونجی آسته، اونا ام دَ اونجی آمد، نه تنها بخاطرِ عیسی، بلکه امچنان تا ایلعازر ره که عیسی از مُرده ها دُوباره زنده کُدد، بنگره. ^{۱۰} پس پیشوایونِ عالی مقام نقشه کشید که ایلعازر ره ام بکُشه، ^{۱۱} چون از خاطرِ ازو کلو یهودیا اونا ره ایله کده دَ عیسی ایمان اوردد.

^{۱۲} روز دِیگه شی گروه کُنه مردم که بلده عید آمدد، وختی شنید که عیسی دَ اورشلیم مییه، ^{۱۳} اونا شاخه های درختِ خرما ره گرفته از شار برو دَ سر راه شی رفت و شعار دده موگفت:

"هوشیعانا!^b مبارک آسته کسی که دَ نامِ خداوند مییه؛
مبارک آسته پادشاهِ اسرائیل."

^{۱۴} و عیسی یگ کُره الاغ ره پیدا کده دَ بله شی سوار شد، امو رقم که دَ کتابِ مقدس نوشته یه:
^{۱۵} "نترس دُخترِ صهیون،^c

اونه، پادشاهِ تو

دَ بله کُره الاغ سوار شده مییه."

^{۱۶} دَ اول یارای شی امی چیزا ره نفا مید، مگم پسان، وختیکه عیسی دَ بزرگی-و-جلالِ خُو رسید، او غیت دَ یادِ ازوا آمد که امی چیزا دَ باره ازو نوشته شده، یعنی چیزای ره که مردم دَ حق شی انجام دد. ^{۱۷} پس جمعیتِ مردم که دَ وختِ کوی کدون ایلعازر از قبر و دُوباره زنده کدون شی از مُرده ها قد عیسی قتی بود، دَرَو دَ باره ازو شاهدی میدد. ^{۱۸} امزی خاطر ام جمعیتِ مردم دَ سر راه شی رفت، چون اونا شنیدد که عیسی امو معجزه ره کده. ^{۱۹} پس فریسیا قد یگدیگه خُو گُفت: "اونه، شمو هیچ کار نمیتنید. توخ کُنید که دُنیا از پسِ ازو ریی یه."

^{۲۰} دَ مینکلِ مردمی که بلده عبادت کدو دَ عید رفتند، بعضی نفرای یونانی ام بود. ^{۲۱} امو نفرای پیشِ فیلیپس که از بیتِ صیدایِ جلیلیه بود آمد و ازو خواهش کده گُفت: "صاحب، مو میخاهی که عیسی ره بنگری." ^{۲۲} فیلیپس آمده اندریاس ره گُفت و اندریاس و فیلیپس رفته دَ عیسی گُفت. ^{۲۳} و لے عیسی دَ جواب ازوا گُفت: "ساعت شی آمده که «باچه انسان» بزرگی-و-جلال پیدا کُنه. ^{۲۴} ما حقیقت ره دز شمو موگم: تا که دانه گندم دَ زمی اُفتده گور نشنه و نمره، او تنهای خُو مومنه. لیکن اگه بمره، حاصلِ کلو میدیه. ^{۲۵} کسی که جان خُو ره دوست دره او ره از دست میدیه

^a ۳:۱۲ دَ جای «بوتل» دَ زبون یونانی «لیترا» نوشته یه که تقریباً ۳۷۰ میلی عطر موشه. ^b ۱۳:۱۲ «هوشیعانا» از زبون عبرانی گرفته شده و «آلی نجات بدی» معنی میدیه. مردم ای ره مثل یگ دُعا موگفت. ^c ۱۵:۱۲ «صهیون» نام خاص بلده شارِ اورشلیم آسته و «دُخترِ صهیون» یعنی مردمِ اورشلیم.

و کسی که د ای دُنیا از جان خُو تیر آسته،^{۲۷} او جان خُو ره بلده زندگی ابدی نگاه مونه. ^{۲۶} اگه کسی میخایه مَره خدمت کنه، او باید ازمه پیروی کنه و د جای که ما بشُم، خدمتگار مه ام د امونجی آسته. هر کسی که مَره خدمت کنه، آته آسمانی او ره عزت و-حُرمت میدیه.

پیشگوی عیسی د باره مرگ شی

^{۲۷} آلی روح-و-روان مه پَریشان-و-کوئیوبار شُده؛ ما چی بگُم؟ آیا بگُم که ای آته آسمانی، مَره ازی ساعت که آمدنی آسته خلاص کُو؟ لیکن بلده امزی مقصد ما تا ای ساعت رسیدیم. ^{۲۸} ای آته، نام خُو ره بزرگی-و-جلال پدی. ”اوخته یگ آواز از آسمو آمد که گُفت: ”ما نام خُو ره بزرگی-و-جلال ددیم و باز ام بزرگی-و-جلال میدیم.“ ^{۲۹} پس جمعیتِ مردُم که د اُونجی ایسته بُود، ای ره شنید و گُفت: ”گرگردراغ بُود!“ دیگه مردُم گُفت: ”یگ ملایکه قد ازو توره گُفت.“ ^{۳۰} عیسی د جواب ازوا گُفت: ”ای آواز از خاطرِ شمو آمد، نه بلده ازمه. ^{۳۱} آلی وختِ قضاوت د بله ازی دُنیا آمده و حاکم ازی دُنیا برو پورته موشه. ^{۳۲} و ما وختیکه از زمی باله کده موشم، پگِ مردُم ره سون خود کش موم. ^{۳۳} عیسی ای چیزا ره گُفت تا نشو بدیه که او د چی رقم مرگ باید بمره.

^{۳۴} مردُم د جواب شی گُفت: ”مو از تورات شنیدیم که مسیح بلده همیشه باقی مومنه. پس تُو چطور مَوگی که «باچه انسان» باید باله شنه؟ و امی «باچه انسان» کی آسته؟“ ^{۳۵} اوخته عیسی دزوا گُفت: ”روشنیی بلده یگ وخت کم د بین شمو مومنه؛ تا غیتیکه روشنیی د بین شمو آسته، راه بورید؛ نشنه که شمو ره تریکی بگیره، چون کسی که د تریکی راه موره، نموفامه که کجا موره. ^{۳۶} تا زمانیکه نور د بین شمو آسته د نور ایمان بیرید تا که بچکیچای نور بشید.“ وختی عیسی امی تورا ره گُفت، او از پیش ازوا رفت و خود ره تاشه کد. ^{۳۷} باوجود تمام امزو معجزه های که د پیش روی ازوا انجام دد، اونا هنوز ام دزشی ایمان نوردد. ^{۳۸} دزمی رقم توره اشعیا پیغمبر پوره شد که گُفت:

”ای خُداوند، کی د پیغام ازمو باور کده

و د کی بازوی خُداوند برملا شُده؟“

^{۳۹} امزی خاطر ام اونا نتنست که باور کنه، چون اشعیا امچنان گُفت:

^{۴۰} ”او چیمای ازوا ره کور

و دل های ازوا ره سخت کده،

تا که قد چیمای خُو ننگره و قد دل های خُو پی نبره

و پس تاو نخوره تا که اونا ره شفا بدیم.“

^{۴۱} اشعیا ای ره بخاطری گُفت که او بزرگی-و-جلال ازو ره دید و د باره ازو نقل کد. ^{۴۲} لیکن باوجود ازی ام عذر کته کلونای یهود د عیسی ایمان آورد، مگم از خاطر فریسیا و از ترس ازی که اونا ره از عبادت خانه بُر نکنه، ایمان خُو ره اقرار نکد. ^{۴۳} چون اونا تعریف-و-توصیفِ مردُم ره از تعریف-و-توصیفِ خُدا کده کلوتر خوش دشت.

^{۴۴} اوخته عیسی د آواز بلند گُفت: ”کسی که دز مه ایمان میره، نه تنها دز مه ایمان میره، بلکه دمزو که مَره ربی کده ام ایمان میره. ^{۴۵} کسی که مَره مینگره، او امو ره مینگره که مَره ربی کده. ^{۴۶} ما مثل یگ نور د دُنیا آمدیم تا هر کسی که دز مه ایمان بیره د تریکی نمنه. ^{۴۷} اگه کسی تورای مَره بشنوه و دزشی عمل نکنه، ما د بله ازو قضاوت نموم، چرا که ما نمدم تا دُنیا ره قضاوت کنم، بلکه آمدیم تا دُنیا ره نجات بدم. ^{۴۸} بلده کسی که مَره رد مونه و تورای مَره قبول نمونه، یگ قاضی وجود دره، یعنی کلامی که ما گُفتیم د روز آخرت د بله ازو قضاوت مونه. ^{۴۹} چون ما از خود خُو توره نگفتیم، بلکه آته آسمانی که مَره ربی کده، او دز مه حکم دده که چی بگُم و چی نقل کنم، ^{۵۰} و ما میدنم که حکم ازو زندگی ابدی آسته. پس چیزای ره که ما موگم، امو رقم که آته آسمانی دز مه گُفته، ما نقل موم.“

ششتون پایای یارا د شام آخر

^۱ فقط پیش از عید پصح، عیسی فامید که وخت شی رسیده تا دُنیا ره ایله کده پیش آته آسمانی بوره. او امو کسای ره که د ای دُنیا مربوط شی موشد، دوست دشت؛ اَره، اونا ره تا آخر دوست دشت. ^۲ وخت نان شاو بُود و ابلیس د دل یهودا باچه شمعون اسخریوطی از پیش وسوسه اندختد که عیسی ره د گیر بدیه. ^۳ عیسی میدنست که تمام چیزا ره آته آسمانی د دست ازو تسلیم کده و او از طرف خُدا آمده و پس سون خُدا رفتنی یه. ^۴ او از سر دسترخو باله شد و کالای خُو ره بُر کده یگ دستمال ره د گرد کمر خُو بسته کد. ^۵ بعد ازو او ره مینه لگند شبو

^a ۲۵:۱۲ د جای «تیر آسته» د زیون یونانی «نقرت دره» نوشته یه. ^b ۲۸:۱۲ «بازو» یگ مثال بلده قدرت خُداوند و یگ اشاره د عیسی مسیح آسته.

کده د ششتون پایای یارا شروع کد و قد دستمالی که د گرد کمر شی بسته بود، پایای ازوا ره پاک کد. ^۶ وختیکه د شمعون پترس رسید، پترس دزو گفت: "یا مولا، تو پایای ازمه ره موشوی؟" ^۷ عیسی د جواب شی گفت: "کاری ره که ما مونم تو آلی نموفامی؛ مگم پسان پی موفتی." ^۸ پترس دزشی گفت: "هیچ امکان ندره که پایای مره بشوی." عیسی د جواب شی گفت: "تا وختیکه پایای تو ره نشویم، تو قد ازمه حصه ندری." ^۹ شمعون پترس دزشی گفت: "یا مولا، پس نه تنها پایای مره، بلکه دستا و سر مره ام بشوی." ^{۱۰} عیسی دزشی گفت: "او کسی که غسل کده، د ششتو ضرورت ندره، چون تمام بدن شی پاک آسته، فقط پایای شی ششتو میخایه و بس. و شمو پاک آستید، مگم نه تمام شمو." ^{۱۱} چون او موفامید که کی او ره د گبر میدیه و امزی خاطر گفت: "تمام شمو پاک نیستید."

^{۱۲} وختیکه عیسی پایای ازوا ره ششت و کالای خو ره پوشیده پس د جای خوششت، دزوا گفت: "آیا شمو میدید که ما قد شمو چی کار کدم؟" ^{۱۳} شمو مره معلم و مولا موگید و شمو درست ام موگید، چراکه ما آستم. ^{۱۴} پس اگه ما که مولا و معلم شمو آستم، پایای شمو ره ششتم، شمو ام باید پایای یگدیگه خو ره بشوید. ^{۱۵} ما دز شمو یگ مثال-و-سرمشق ددم تا امو رقم که ما قد شمو کدم، شمو ام امو رقم بکنید. ^{۱۶} ما حقیقت ره دز شمو موگم: یگ غلام از بادار خو کده بزرگتر نییه و نه ام یگ قاصد از کسی که او ره ری کده. ^{۱۷} د حالیکه امی چیزا ره پی برید، خیر-و-برکت دز شمو اگه دزوا عمل کنید.

^{۱۸} ما ای چیزا ره د باره پگ شمو نموگم، چون کسای ره که ما انتخاب کدیم مینخشم. مگم نوشته کتاب مقدس باید پوره شنه که موگیه: کسی که قد ازمه نان خورده، او د ضد مه باله شده. ^{۱۹} ما ای ره امی آلی پیش از واقع شدن شی دز شمو موگم تا وختیکه رخ بدیه، شمو باور کنید که ما آستم امو که آستم. ^{۲۰} ما حقیقت ره دز شمو موگم: هر کسی که نفر ری کدگی مره قبول کنه، او مره قبول کده؛ و هر کسی که مره قبول کنه، امو ره قبول کده که مره ری کده."

^{۲۱} وختیکه عیسی ای چیزا ره گفت، او د روح-و-زوان خو کلو کوئیبار شد و بر ملا گفت: "ما حقیقت ره دز شمو موگم: یکی از شمو مره تسلیم مونه." ^{۲۲} یارا سون یگدیگه خو توخ کده خیرو مند و فکر موکد که د باره کی ای توره ره گفته بشه. ^{۲۳} یکی از یارای شی که عیسی او ره دوست دشت، د بغل عیسی تکیه کدد. ^{۲۴} پس شمعون پترس سون ازوا اشاره کد تا او از عیسی پوسان کنه که مقصد شی کی آسته. ^{۲۵} او د شانه عیسی تکیه کده دزو گفت: "یا مولا، او کی آسته؟" ^{۲۶} عیسی د جواب شی گفت: "او امو کسی آسته که ما یگ توته نان ره د کاسه غوئه کده دزو میدم." پس وختیکه توته نان ره گرفته غوئه کد، او ره د یهودا باجه شمعون اسخریوطی دد. ^{۲۷} امی که یهودا توته نان ره گرفت، شیطو د پوست شی درآمد. اوخته عیسی دزو گفت: "کاری ره که کدنی آستی، زود بکو." ^{۲۸} مگم هیچ کدم امزو کسای که د لب دسترخو ششتم، نفامید که چرا عیسی ای ره د یهودا گفت. ^{۲۹} لیکن ازی که خلطه پیسه د پیش یهودا بود، بعضی ازوا فکر کد که عیسی او ره گفته بشه، "بورو، چیزای ره که مو د عید کار دری، بخر." یا ای که "یگو چیز د مردم نادار بدی." ^{۳۰} اوخته، بعد از گرفتن توته نان او چابک برو رفت؛ وخت ام شاو بود.

عیسی د باره انکار پترس پیشگویی مونه

^{۳۱} وختیکه او برو رفت، عیسی گفت: "آلی آسته که «باچه انسان» بزرگی-و-جلال پیدا مونه و خدا ام د وسیله ازوا بزرگی-و-جلال پیدا مونه. ^{۳۲} [اگه خدا د وسیله ازوا بزرگی-و-جلال پیدا کد،] ^b خدا د وسیله خود خو دزو ام بزرگی-و-جلال میدیه و امی بزرگی-و-جلال ره د زودی دزو میدیه. ^{۳۳} ای بچکیچا، ما یگ لحظه دیگه قد شمو آستم. بعد ازو شمو مره موبالید و امو رقمیکه د یهودیا گفتم آلی قد شمو ام موگم: د جای که ما مورم، شمو آمده نمیتید. ^{۳۴} ما یگ حکم نو دز شمو میدیم تا شمو یگدیگه خو ره دوست دشته بشید: امو رقمیکه ما شمو ره دوست دشتیم، شمو ام امو رقم یگدیگه خو ره دوست دشته بشید. ^{۳۵} اگه شمو قد یگدیگه خو محبت دشته بشید، دمی رقم پگ مردم میدنه که شمو یارای ازمه آستید."

^{۳۶} شمعون پترس دزشی گفت: "یا مولا، تو د کجا موری؟" عیسی د جواب شی گفت: "د جای که ما مورم تو آلی از پشت مه آمده نمیتنی، ولی پسان از دمال مه مییی." ^{۳۷} پترس دزشی گفت: "یا مولا، چرا آلی نمیتنم که از دمال تو بییم؟ ما حتی جان خو ره د راه تو میدم." ^{۳۸} عیسی د جواب شی گفت: "آیا تو واقعاً جان خو ره د راه مه میدی؟ ما حقیقت ره دز تو موگم، خروس بنگ نییدیه تا که تو سه دفعه مره انکار نکنی."

^a ۱۹:۱۳ رجوع کنید د پی نوشته ۸:۲۴. ^b ۳۲:۱۳ بعضی از نسخه های قدیمی امی جمله بین قوس ره ندره.

۱ "دل های شمو پریشان نبشه: شمو د خدا ایمان داشته بشید، دز مه ام ایمان بیرید. ۲ د خانه آته مه جای کلو آسته. اگه امی رقم نموبود، آیا دز شمو مگفتم که ما ازینجی مورم تا بلده شمو جای تیار کتم؟ ۳ پس اگه ما مورم و بلده شمو جای تیار مونم، حتماً بسم مییم و شمو ره قد خو گرفته مورم، تا د جایی که ما آستم، شمو ام بشید. ۴ د جایی که ما مورم شمو راه شی ره بلد آستید." ۵
توما دز شی گفت: "یا مولا، مو نمیدنی که تو د کجا موری؛ پس راه شی ره چطور بلد آستی؟" ۶ عیسی دزو گفت: "ما راه و راستی و زندگی آستم. هیچ کس نمیتنه پیش آته آسمانی بییه، سواى که د وسیله ازمه. ۷ اگه شمو مره شتختید، آته مره ام مینخشید. آر، از امی آلی شمو او ره مینخشید و ام او ره دیدید."

۸ فیلیپس دز شی گفت: "یا مولا، آته ره دز مو نشو بدی و امو بلده ازمو بس آسته." ۹ عیسی دزو گفت: "فیلیپس، ایقَس دیر ما قد شمو بودم و تو هنوز مره نشنختی؟ کسی که مره دیده، آته ره دیده. پس تو چطور مگی که آته ره دز مو نشو بدی؟" ۱۰ آیا تو باور نمونی که ما د آته و آته دز مه آسته؟ توره های ره که ما دز شمو مگم، از پیش خود خو نمومگم، بلکه آته که د وجود ازمه آسته، کارای خو ره انجام میدیه. ۱۱ دز مه باور کنید که ما د آته آستم و آته دز مه؛ اگه نه، بخاطر خود امزو کارای که ما کدیم دز مه باور کنید. ۱۲
ما حقیقت ره دز شمو مگم، کسی که دز مه ایمان بیره، کارای ره که ما مونم او ام مونه؛ و حتی ازی کده کارای بزرگتر مونه، چراکه ما پیش آته مورم. ۱۳ هر چیزی ره که د نام ازمه طلب کنید ما او ره انجام میدیم، تا آته د وسیله باچه خو بزرگی-و-جلال پیدا کنه. ۱۴ اگه یگو چیز د نام ازمه طلب کنید، ما او ره پوره مونم."

وعدۀ روح القدس

۱۵ "اگه شمو مره دوست بدید، از احکام مه اطاعت موبید. ۱۶ اوخته ما از آته خاهش مونم که او یگ پشٹیوان دیگه دز شمو بدیه، تا او همیشه قد شمو بمنه، ۱۷ یعنی روح راستی ره که دنیا نمیتنه او ره قبول کنه، چراکه دنیا او ره نه مینگره و نه مینخشه. مگم شمو او ره مینخشید چراکه او قد شمو مومنه و دز شمو وجود میدشته بشه. ۱۸ ما شمو ره یتیم نمیلیم؛ ما پیش شمو مییم. ۱۹ بعد از کم وخت دنیا دیگه مره مینگره، مگم شمو مره مینگرید. ازی که ما زنده یم شمو ام زنده مومید. ۲۰ دمزو روز شمو پی موفتید که ما د آته خو آستم و شمو دز مه و ما دز شمو. ۲۱ کسی که احکام مره قبول دره و از شی اطاعت مونه، او امو کسی آسته که مره دوست دره. و کسی که مره دوست دره، آته مه او ره دوست میدنه و ما ام او ره دوست میدنم و خود خو ره دزو ظاهر مونم."

۲۲ یهودا -- ولے نه یهودای اسخربوطی -- دزو گفت: "یا مولا، چی رقم آسته که خود ره دز مو نشو میدی، مگم نه د دنیا؟" ۲۳ عیسی د جواب شی گفت: "اگه کسی مره دوست داشته بشه، او از کلام مه اطاعت مونه و آته مه او ره دوست میدشته بشه و مو د زندگی ازو آمده قد ازو مومنی. ۲۴ کسی که مره دوست ندره از تورای مه اطاعت نموکنه. و توره که شمو میشنوید از خود مه نییه، بلکه از آته آسته که مره ربی کده. ۲۵ ای چیزا ره ما دز شمو گفتیم د حالیکه هنوز قد شمو آستم. ۲۶ مگم پشٹیوان، یعنی روح القدس که آته او ره د نام ازمه ربی مونه، او تمام چیزا ره دز شمو یاد میدیه و هر چیزی ره که ما دز شمو گفتیم د یاد شمو میره.

۲۷ ما دز شمو آرامش میدیم؛ آرامش خود خو ره دز شمو میدم، نه رقمی که دنیا میدیه، بلکه رقمی که ما دز شمو میدیم. پس دل های شمو پریشان و ترس خورده نبشه. ۲۸ شمو شنیدید که ما دز شمو گفتیم: 'ما مورم و بسم پیش شمو مییم.' اگه شمو مره دوست میدشتید، خوش موشدید که ما سون آته خو مورم، چراکه آته از مه کده بزرگتر آسته. ۲۹ ما ای چیزا ره پیش از واقع شدن شی دز شمو گفتیم، تا وختیکه رخ میدیه شمو باور کنید. ۳۰ ما دیگه قد شمو کلو توره نمومگم، چون حاکم ازی دنیا مییه. او د سر ازمه هیچ قدرت ندره، ۳۱ مگم بلده ازی که دنیا بدنه که ما آته ره دوست درم، ما امو رقمیکه آته دز مه امر کده عمل مونم. باله شنید که از اینجی بوری."

تاگ حقیقی

۱ "ما تاگ حقیقی آستم و آته مه باغوان آسته. ۲ هر شاخه مه که بار نگیره او ره قیچی کده پورته مونه و هر شاخه که بار بگیره او ره پاک مونه تا که کلوتر حاصل بدیه. ۳ شمو امی آلی بخاطر کلامی که ما قد شمو گفتیم پاک آستید. ۴ شمو دز مه بمانید و ما دز شمو مومنم. هیچ شاخه د تنهایی خو ثمر دده نمیتنه سواى که د تاگ بمنه. امی رقم شمو ام نمیتنید ثمر بدید، سواى که دز مه بمانید. ۵ ما تاگ آستم

و شُمو شاخه ها. کسی که دَز مه مومنه و ما دَزو، اُو ثَمِر کَلو میدیه، چُون جدا از مه شُمو هیچ کار نَمیتیند. ^۶ کسی که دَز مه نَمنه، اُو مِثِل یِگ شاخه وری دُور پورته شُدِه خُشک موشه و مردُم اُو شاخه ها ره جَم کده د مَنِه آتِش میندزه تا که دَر بَگیره. ^۷ اگه شُمو دَز مه بُمَیند و تورای مه دَز شُمو بُمَنه، هر چیزی که میخاهید طلب کُنید و اُمُو رقم بلده شُمو موشه. ^۸ آتِه مه دَمزی طریق بَزُرگی-و-جلال پیدا مونه که شُمو کَلو ثَمِر بدید و یارای مه بَشید.

^۹ اُمُو رقم که آتِه آسمانی مَره دوست دَره، ما ام شُمو ره دوست دَرُم. پس د مَحَبَت مه بُمَیند. ^{۱۰} اگه از احکام مه اِطاعت کُنید، د مَحَبَت مه مومَیند، اُمُو رقمیکه ما از احکام آتِه خُو اِطاعت کُدُم و د مَحَبَت اَزو مومَنم. ^{۱۱} ای چیزا ره ما دَز شُمو کُفتم تا که خوشی مه دَز شُمو وجود داشته بَشه و خوشی شُمو کامل شنه. ^{۱۲} حُکم از مه اینمی آسته که شُمو یگدیگه خُو ره دوست داشته بَشید، اُمُو رقم که ما شُمو ره دوست دَرُم. ^{۱۳} ازی کده مَحَبَت بَزُرگتر وجود ندره که یگو کس جان خُو ره بلده دوستای خُو بدیه. ^{۱۴} شُمو دوستای مه آستید، اگه احکام مَره د جای بیرید. ^{۱۵} ما دیگه شُمو ره غُلام نَموگم، چُون غُلام نَمیدنه که صاحب شی چیزا کار مونه؛ بلکه ما شُمو ره دوست مومگم، چُون تمام چیزای ره که ما از آتِه خُو شینیدم دَز شُمو معلومدار کُدُم. ^{۱۶} شُمو مَره اِنتخاب نکدید، بلکه ما شُمو ره اِنتخاب کُدُم و ما شُمو ره مقرر کُدُم تا که بورید و ثَمِر بدید و ثَمِر شُمو بُمَنه، تا هر چیزی که از آتِه آسمانی د نام ازمه طلب کُنید، اُو دَز شُمو بدیه. ^{۱۷} اینمی حُکم ره ما دَز شُمو میدم که شُمو یگدیگه خُو ره دوست داشته بَشید.

دُنیا از یارای مسیح نَفرت دَره

^{۱۸} اگه دُنیا از شُمو بد موبره، بدیند که از شُمو کده پیشتر از مه بد موبرده. ^{۱۹} اگه شُمو دَزی دُنیا تعلق میدشتید، دُنیا شُمو ره مِثِل کسی خود خُو دوست میدشت. لیکن ازی که شُمو دَزی دُنیا تعلق ندرید و ما شُمو ره ازی دُنیا اِنتخاب کدیم، امزی خاطر دُنیا از شُمو بد موبره. ^{۲۰} کلامی ره که ما قد شُمو کُفتم د یاد خُو بیرید: 'یگ غُلام از بادر خُو کده بَزُرگتر نییه.' اگه مردُم مَره آزار-و-اَذیت کده، اونا شُمو ره ام آزار-و-اَذیت مونه. اگه اونا از کلام ازمه اِطاعت کده، از توره شُمو ام اِطاعت مونه. ^{۲۱} مگم پگ امزی چیزا ره اونا از خاطر نام ازمه د حق شُمو مونه، چُون اُمُو که مَره ریی کده اونا اُو ره نَمینخشه. ^{۲۲} اگه ما نَمیمدُم و دَزوا نقل نَموکدُم، اونا گناه نَمیدشت؛ لیکن آلی اونا بلده گناه خُو کُدُم بانه ندره. ^{۲۳} کسی که از مه بد موبره، از آتِه مه ام بد موبره. ^{۲۴} ما د بَین ازوا کارای ره کُدُم که هیچ کس دیگه نکده. اگه ما امی کارا ره نَموکدُم، اونا گناه نَمیدشت؛ مگم آلی اونا امی کارا ره دیده و هنوز ام از مه و از آتِه مه بد موبره. ^{۲۵} لیکن امی چیزا واقع شُدِه ریی یه تا کلامی که د شریعت ازوا نوشته یه، پوره شنه که مَوگیه: 'اونا بدون کُدُم دلیل از مه بد بُرد.'
^{۲۶} وختیکه پُشتیوان مییه، اُمُو ره که از طرف آتِه پیش شُمو ریی مومم، یعنی روح راستی که از آتِه آسمانی مییه، اُو د باره ازمه شاهدی میدیه ^{۲۷} و شُمو ام شاهدی میدید، چُون شُمو از اول قد ازمه بُودید."

۱۶ ^۱ "ای چیزا ره ما دَز شُمو کُفتم تا که شُمو از راه بُر نَشیند. ^۲ اونا شُمو ره از عبادت خانه بُر مونه، بلکه زمانی مییه که هر کسی که شُمو ره بکُشه، گمان مونه که خُدا ره خدمت مَوکنه. ^۳ و اونا امی چیزا ره از خاطری مونه که نه آتِه آسمانی ره مینخشه و نه مَره. ^۴ پس امی چیزا ره دَز شُمو کُفتم تا زمانیکه وخت شی میرسه شُمو د یاد خُو بیرید که ما شُمو ره دَزی باره باخبر کده بُودم. ما ای چیزا ره د اول قد شُمو نَکُفتم، چرا که ما قد شُمو بُودم. ^۵ مگم آلی طرف امزُو مورم که مَره ریی کده و یگ شُمو ام از مه نَموپرسید که 'د کُجا موری؟' ^۶ و له ازی که امی چیزا ره دَز شُمو کُفتم، دل شُمو پُر از غَم شُدِه. ^۷ مگم ما حقیقت ره دَز شُمو مومگم که رفتون ازمه د فایده شُمو آسته، چُون اگه ما نَرُوَم پُشتیوان پیش شُمو نَمییه؛ لیکن اگه بورم، ما اُو ره پیش شُمو ریی مومم. ^۸ وختیکه اُو مییه، اُو گناه، عدالت و قضاوت دُنیا ره بے پرده مونه:^a ^۹ گناه ره، چرا که اونا دَز مه ایمان نَمیره؛ ^{۱۰} عدالت ره، چرا که ما طرف آتِه آسمانی مورم و شُمو دیگه مَره نَمینگرید؛ ^{۱۱} و قضاوت ره، چرا که د بَله حاکم ازی دُنیا^b قضاوت شُدِه.

^{۱۲} عَدَر چیزای دیگه ام دَرُم که دَز شُمو بگیم، لیکن شُمو آلی تاب شیندون شی ره ندرید. ^{۱۳} مگم غَیتیکه روح راستی مییه اُو شُمو ره سُون تمام حقیقت ها هدایت مونه، چرا که اُو از پیش خود خُو توره نَموگیه، بلکه چیزای ره که میشنوه، اُمُو ره مَوگیه و از واقعه های که آمدنی آسته شُمو ره باخبر مونه. ^{۱۴} اُو دَز مه بَزُرگی-و-جلال میدیه، چُون چیزای ره که از مه حاصل کده، اُو ره دَز شُمو اعلان مونه. ^{۱۵} تمام چیزای که د آتِه آسمانی تعلق دَره از مه یه؛ امزی خاطر ما کُفتم که اُو از چیزی که دَز مه تعلق دَره میگیره و دَز شُمو اعلان مونه."

^a ۸:۱۶ یعنی وختیکه روح اَلفُدس مییه، اُو نشو میدیه که دُنیا گناهکار آسته و عدالت و قضاوت شی ام غَلَط آسته. ^b ۱۱:۱۶ یعنی «شیطو».

عَم يارا د خوشی تبدیل موشه

۱۶ "بعد از وخت کم شمو دېگه مَره نَمینگرید و بسم بعد از وخت کم شمو مَره مینگرید." ۱۷ اوخته بعضی یارای شی قد یگدېگه خو گُفت: "مقصد مولا چی آسته که موگه 'بعد از وخت کم شمو دېگه مَره نَمینگرید و بسم بعد از وخت کم شمو مَره مینگرید؟' و ام موگه، 'چراکه ما پیش آته آسمانی مورم؟'" ۱۸ پس اونا گُفت: "او که 'وخت کم' موگه، چی معنی دَره؟ مو نموفامی که د باره چی توره موگیه." ۱۹ عیسی فامید که اونا میخایه ازو سوال کنه، پس دزوا گُفت: "آیا شمو د باره ازی از یگدېگه خو سوال مُونید که گُفتُم: 'بعد از وخت کم شمو دېگه مَره نَمینگرید و بسم بعد از وخت کم شمو مَره مینگرید؟'" ۲۰ ما حقیقت ره دز شمو موگم: شمو چخرا و مخته مُونید، ولے دُنیا خوشی مونه. شمو دق-و-عَمگی موشید، مگم عَم شمو د خوشی تبدیل موشه. ۲۱ یگ خاتو بخاطری که وخت زیدون شی پوره شده درد میکشه، ولے زمانیکه نلغه د دُنیا آمد، درد و عَم شی از یاد ازو موره، چون او بخاطر اوردون یگ انسان د دُنیا خوشی مونه. ۲۲ پس شمو ام فعلاً دق-و-عَمگی استید؛ مگم ما شمو ره دوباره مینگریم و دل شمو خوشی مونه و خوشی شمو ره هیچ کس از شمو نَمیگیره."

د باره دُعا

۲۳ "دمرو زمان^a شمو از مه هیچ چیز پُرسان نمونید. ما حقیقت ره دز شمو موگم، هر چیزیکه از آته آسمانی د نام از مه طلب کُنید، او دز شمو میبده. ۲۴ تا آلی ره شمو هیچ چیز د نام از مه طلب نکدید؛ طلب کُنید و دز شمو دده موشه تا که خوشی شمو پوره شنه. ۲۵ ای چیزا ره ما دز شمو د مثل گُفتُم. لیکن ساعت شی میبه که دېگه ما د مثل قد شمو توره نموگیم، بلکه واضح د باره آته آسمانی قد شمو نقل مُونم. ۲۶ د او زمان^b شمو د نام از مه طلب مُونید و ما دز شمو نموگم که بلده شمو از آته طلب مُونم، ۲۷ چون آته خود شی شمو ره دوست دَره، چراکه شمو مَره دوست دَرید و ایمان دَرید که ما از طرف آته آمدیم. ۲۸ ما از پیش آته آمدم و د دُنیا داخل شدم؛ و آلی ای دُنیا ره ایله کده پس طرف آته مورم."

۲۹ یارای شی گُفت: "اینه، آلی واضح نقل مونی و د مثل توره نموگی. ۳۰ آلی مو میدنی که تو پگ چیزا ره موفامی و هیچ کس ضرورت ندره که از تو سوال کنه. د وسیله امزی مو ایمان میری که تو از طرف خدا آمدی." ۳۱ عیسی د جواب ازوا گُفت: "شمو آلی ایمان اوردید؟ ۳۲ اینه، وختی میبه، بلکه امی آلی آمده که شمو تیت پرک موشید، هر کدم شمو سون جای خود خو مورید و مَره تنها میبید. ولے باوجود ازی ام ما تنها نمونم، چراکه آته آسمانی قد مه آسته. ۳۳ اینمی چیزا ره ما قد شمو گُفتُم تا که شمو دز مه آرامش داشته بشید. د ای دُنیا شمو رنج و زحمت مینگرید، مگم خاطر جم بشید، چراکه ما د سر دُنیا پیروز شدیم."

دُعای عیسی بلده پیروای شی

۱ بعد از گُفتون امزی توره ها عیسی روی خو ره باله کده سون آسمو توخ کد و گُفت: "آی آته آسمانی، امو وخت رسیده؛ باچه خو ره بزرگی-و-جلال بدی تا که باچه تو ام تو ره جلال بدیه؛ ۲ چون تو او ره د بله تمام بشر اختیار ددی تا او بلده تمام کسای که تو دزو ددی زندگی ابدی بدیه. ۳ زندگی ابدی اینمی آسته که اونا تو ره که خدای یکتا و حقیقی آستی و عیسی مسیح ره که تو ربی کده، پنخشه. ۴ کارای ره که تو دز مه تسلیم کدی تا انجام بدیم، ما تکمیل کدم و امزی طریق بزرگی-و-جلال تو ره د زمی ظاهر کدم. ۵ و آلی، آی آته، مَره قد خود خو قتی بزرگی-و-جلال بدی، امو رقم بزرگی-و-جلال که ما پیش از شروع دُنیا قد تو دشتُم. ۶ ما نام تو ره بلده امزو نفره که تو ازی دُنیا دز مه ددی، معلومدار کدم. اونا دز تو تعلق دشت و تو اونا ره دز مه عطا کدی و اونا از کلام تو اطاعت کد. ۷ آلی اونا میدنه، هر چیزی که تو دز مه دده از طرف ازتو یه. ۸ توره های ره که تو دز مه ددی، ما دزوا رسندم و اونا قبول کد و واقعاً فامید که ما از طرف ازتو آمدیم و اونا باور کد که تو مَره ربی کده. ۹ ما بلده ازوا دُعا مُونم؛ ما بلده دُنیا دُعا نمونم، بلکه بلده کسای دُعا مُونم که تو دز مه ددی، چراکه اونا دز تو تعلق دَره. ۱۰ تمام چیزای که دز مه تعلق دَره، از تو یه و تمام چیزای که دز تو تعلق دَره، از مه یه و ما د وسیله ازوا بزرگی-و-جلال پیدا کدم. ۱۱ ما دېگه د دُنیا نمونم، مگم اونا هنوز د دُنیا آسته و ما طرف ازتو مییم. آی آته مقدس، اونا ره د وسیله نام خو که دز مه عطا کده، نگاه کو تا که اونا یگ بشه، امو رقمیکه مویگ آستی. ۱۲ تا زمانیکه ما قد ازوا بودم، ما اونا ره د وسیله نام ازتو که دز مه دده، نگاه کدم و ازوا محافظت کدم و هیچ کدم شی از بین نرفت بَعیر از امزو باچه جهنمی،^c تا که نوشته های کتاب مقدس پوره شنه. ۱۳ و آلی طرف ازتو مییم و ای چیزا ره هنوز که د دُنیا استم موگم تا که اونا خوشی مَره د وجود خو پُر-و-لبریز داشته بشه. ۱۴ ما کلام

^a ۲۳:۱۶ د جای «زمان» د زیون یونانی «روز» نوشته یه. ^b ۲۶:۱۶ د جای «زمان» د زیون یونانی «روز» نوشته یه. ^c ۱۲:۱۷ یعنی یهودای اسخریوطی.

تو ره دزوا رَسَنَدُم، ولے دُنیا ازوا بد مُوبَرَه، چُون اونا د دُنیا تعلق ندره امو رقم که ما ام دزی دُنیا تعلق نَدَرُم. ^{۱۵} خاهش ازمه ای نیبه که تو اونا ره ازی دُنیا ببری، بلکه ای آسته که اونا ره از شیطو نگاه کنی. ^{۱۶} اونا د ای دُنیا تعلق ندره، امو رقمیکه که ما ام د دُنیا تعلق نَدَرُم. ^{۱۷} اونا ره د وسیله راستی-و-حقیقت تقدیس کو؛ کلام از تو راستی-و-حقیقت آسته. ^{۱۸} امو رقمیکه تو مره د دُنیا ری کدے، ما ام اونا ره د دُنیا ری کدُم. ^{۱۹} از خاطر ازوا ما خود ره تقدیس مونتُم^a، تاکه اونا ام د راستی-و-حقیقت تقدیس شنه.

^{۲۰} دُعای ازمه تنها بلده امزیا نیبه، بلکه امچنان بلده کسای که د وسیله شاهدی امزیا دز مه ایمان میره، ^{۲۱} تاکه پگ شی یگ بشه، امو رقمیکه تو، ای آته، دز مه آستی و ما دز تو آستم و دُعای مونتُم که اونا ام دز مو بشه تا دُنیا باور کنه که تو مره ری کدے. ^{۲۲} بزرگی-و-جلالی ره که تو دز مه ددی، ما دزوا ددُم تا اونا یگ بشه امو رقمیکه مو یگ آستی: ^{۲۳} ما دزوا و تو دز مه، تاکه اونا کاملاً یگ بشه و تا دُنیا بدنه که تو مره ری کدے و اونا^b ره دوست دری، امو رقمیکه مره دوست دری.

^{۲۴} ای آته، ما آرزو دَرُم، کسای ره که تو دز مه ددی، د هر جای که ما آستم، اونا ام قد ازمه قتی بشه، تاکه اونا بزرگی-و-جلالی ره که تو دز مه ددی بنگره، چراکه تو پیش از خلقت دُنیا مره دوست دشتی. ^{۲۵} ای آته عادل، اگرچه دُنیا تو ره نمیخنشه، مگم ما تو ره مینخشتم و امیا^c میدنه که تو مره ری کدے ^{۲۶} و ما نام^d تو ره دزوا معرفی کدُم و باز ام معرفی مونتُم تا محبتی که تو بلده ازمه دری، دزوا بشه و ما ام دزوا بشم.

گرفتاری عیسی

۱۸ ^۱ وختیکه عیسی امی چیزا ره گفت، او قد یارای خُو د او طرف قول قدرون رفت. د اونجی یگ باغ بود و عیسی قد یارای خُو د منِه امزو باغ درآمد. ^۲ مگم یهودا، امو کسی که او ره د گیر میدد، ام امو جای ره بلد بود، چراکه عیسی غدر وختا قد یارای خُو د اونجی جم موشد. ^۳ پس یهودا قد یگ دل عسکر و صاحب منصب از طرف پیشوایون عالی مقام و فریسیا قد چراغ ها، مشعل ها و سلاح ها د اونجی آمد. ^۴ عیسی از تمام چیزای که د سر شی میمد خبر دشت، ولے باز ام پیش آمده دزوا گفت: ”کی ره موبالید؟“ ^۵ اونا د جواب شی گفت: ”عیسای ناصری ره.“ عیسی دزوا گفت: ”ما آستم.“ و یهودا که او ره د گیر میدد، ام قد ازوا ایسته بود. ^۶ وختیکه او دزوا گفت ”ما آستم،“ اونا پسکی پسکی رفته د زمی افتد. ^۷ او بسم ازوا پُرسان کد: ”شمو کی ره موبالید؟“ اونا گفت: ”عیسای ناصری ره.“ ^۸ عیسی د جواب ازوا گفت: ”ما دز شمو گفتُم که ما آستم. اگه شمو مره موبالید، امیا ره بیلید که بوره.“ ^۹ ای کار شد تا کلامی که او گفتد: ”امزو کسای که تو دز مه ددے، یگ شی ره ام گم نکدیم“ پوره شنه. ^{۱۰} اوخته شمعون پترس که یگ شمشیر دشت، او ره کشیده غلام پیشوای بزرگ ره زد و گوش راست شی ره منٹی کد. نام امزو غلام ملوک بود. ^{۱۱} ولے عیسی د پترس گفت: ”شمشیر خُو ره د پوش شی بیل! آیا جامی ره که آته آسمانی دز مه دده، وچی نکتم؟“

^{۱۲} اوخته دل عسکرا و قومندان ازوا قد صاحب منصبای یهود، عیسی ره گرفتار کده بسته کد. ^{۱۳} اول او ره پیش حنا خُسِر قیافا برد که قیافا دمزو سال پیشوای بزرگ بود. ^{۱۴} قیافا امو کس بود که یهودیا ره مشوره دده گفتد: ”بهر آسته که یگ نفر بلده پگ مردم بمره.“ ^{۱۵} شمعون پترس و یگ یار دیگه از پس عیسی رفت. و ازی که امو یار دیگه قد پیشوای بزرگ شخته بود، او خن عیسی قتی د منِه حولی پیشوای بزرگ در آمد. ^{۱۶} مگم پترس برو د دان درگه ایسته شد. اوخته امو یار دیگه که قد پیشوای بزرگ شخته بود، بر شده قد کنیزی که درگه وان بود گپ زد و پترس ره داخل آورد. ^{۱۷} امو کنیز که درگه وان بود د پترس گفت: ”تو از جمله یارای امزی آدم نیبی؟“ او گفت: ”نه، نیبم.“ ^{۱۸} دمزو غیت نوکرا و صاحب منصب د گرد قوغ آتش که در دده بود ایسته شدد، چون هوا یخ بود و اونا خود ره گرم موکد. پترس ام قد ازوا قتی ایسته بود و خود ره گرم موکد.

سوالاتی پیشوای بزرگ از عیسی

^{۱۹} پس پیشوای بزرگ از عیسی د باره یارای شی و تعلیمای که میدد سوال کد. ^{۲۰} عیسی د جواب شی گفت: ”ما د دُنیا بر ملا توره گفتیم و همیشه د عبادت خانه ها و خانه خدا که پگ یهودیا جم موشه، تعلیم ددیم. ما هیچ چیز ره تاشکی نگفتیم. ^{۲۱} چرا از مه پُرسان مونی؟ از کسای که توره مره شنیده، پُرسان کو که ما دزوا چیز خیل گفتیم، چون اونا میدنه که ما چی گفتیم.“ ^{۲۲} وختیکه عیسی امی چیزا ره گفت، یکی امزو

^a ۱۹:۱۷ عیسی خود ره مثل یگ قربانی بی عیب د خدا تقدیم مونه تا که اراده خدا پوره شنه. ^b ۲۳:۱۷ «اونا» یعنی نه تنها یارای عیسی از امزو زمان، بلکه تمام کسای که د آینده ام د عیسی ایمان میره. ^c ۲۵:۱۷ یعنی «پیروای ازمه». ^d ۲۶:۱۷ «نام تو ره» یعنی «تو ره» معرفی کدُم تا حقیقت تو بر ملا شنه. ^e ۵:۱۸ د باره «ما آستم» د پاه ورق ۳۴:۸ رجوع کنید.

صاحب مَنصَبَا که پالوی شی ایسته بُود، او ره یگ چپات زده گُفت: "آیا تُو د پیشوای بزرگ امی رقم جواب میدی؟" ۲۳ عیسی د جواب شی گُفت: "اگه بد گُفتیم، بدی شی ره بگی؛ اگه دُرست گُفتیم، چرا مَره میزنی؟" ۲۴ پس حنا او ره دِست بسته د پیش قیافا پیشوای بزرگ ربی کد.

پترس عیسی ره انکار مونه

۲۵ دَمزُو عَیْتِ که شِمعون پترس ایسته بُود و خود ره گرم مُوکد، بعضی ازوا دزشی گُفت: "نه که تُو ام یکی از یارای ازو آستی، یا نیستی؟" او انکار کده گُفت: "نه، نییم." ۲۶ یکی از خدمتگاری پیشوای بزرگ قومای ازو کسی بُود که پترس گوش شی ره مَنئی کُدد. امو خدمتگار گُفت: "آیا ما تُو ره د باغ قد ازو قتی ندیدم؟" ۲۷ پترس بسم انکار کد و د امزُو لحظه خروس بنگ دد.

عیسی د پیش پیلاتس

۲۸ بعد ازو اونا عیسی ره از خانه قیافا د قصر حاکم رومی بُرد. صبح گاه بُود و یهودیا خودون شی د مَنه قصر داخل نَشُد تا نجس نَشنه و از خوردون قربانی عید پَصَح نَمَنه. ۲۹ پس پیلاتس د برو پیش ازوا آمده گُفت: "د خِلافِ امزی آدم چی ادعا دَرید؟" ۳۰ اونا د جواب ازو گُفت: "اگه ای آدم بدکار نَمُوبُود، مو او ره دز تُو تسلیم نَمُوکدی." ۳۱ پیلاتس دزوا گُفت: "شمو ای ره بُبرید و د مطابقی شریعت خودون خُو د بله ازو قضاوت کنید." یهودیا دزُو گُفت: "مو امی اختیار ره نَدری که یگو کس ره اعدام کنی." ۳۲ ای واقعه رُخ دد تا گُفته عیسی که معلومدار کُدد که د چی طریقه باید بمره، پوره شنه.

۳۳ اوخته پیلاتس پس د مَنه قصر خُو رفت و عیسی ره کوی کده گُفت: "آیا تُو پادشاه یهودیا آستی؟" ۳۴ عیسی د جواب ازو گُفت: "آیا تُو ای ره از پیش خود خُو گُفتی یا دیگه مردم د باره ازمه دز تُو نقل کده؟" ۳۵ پیلاتس د جواب شی گُفت: "آیا ما یگ یهودی آستم؟ قوم خود تُو و پیشوایون عالی مقام تُو ره دز مه تسلیم کده؛ تُو چی کار کده؟" ۳۶ عیسی د جواب ازو گُفت: "پادشاهی ازمه دزی دُنیا تعلق ندره. اگه پادشاهی ازمه دزی دُنیا تعلق میدشت، نفرای مه جنگ مُوکد تا ما د یهودیا تسلیم دده نَمُوشُدَم. مگم اُطور نَشُد، چراکه پادشاهی ازمه دزی دُنیا هیچ تعلق ندره." ۳۷ اوخته پیلاتس دزشی گُفت: "پس تُو پادشاه آستی؟" عیسی د جواب ازو گُفت: "تُو دُرست مُوگی که ما پادشاه آستم. ما بلده امزی مقصد پیدا شُدَم و بلده امزی د دُنیا امدَم که د باره حقیقت شاهدهی بدم و هر کس که طرفدار حقیقت آسته آواز مَره میشنوه." ۳۸ پیلاتس دزشی گُفت: "حقیقت چی آسته؟"

بعد از گُفتون امزی توره، او بسم د برو پیش یهودیا آمده دزوا گُفت: "ما هیچ دلیل بلده محکوم کدون امزی آدم پیدا نَتَنسُتَم. ۳۹ ولے شمو یگ رسم-و-زواج دَرید که ما یگ نفر ره د عید پَصَح بلده شمو ایله کُنم؛ آیا میخاهید که پادشاه یهودیا ره بلده شمو ایله کُنم؟" ۴۰ اوخته اونا بسم چِیغ زده گُفت: "ای ره نه، بلکه باراباس ره ایله کُو،" د حالیکه باراباس یگ راهزن^۱ بُود.

۱ پس پیلاتس عیسی ره برده قَمچی کوی کد. ۲ و عسکرا از خِمچه خاردار یگ تاج بافته د سر شی ایش و قَبای دِراز اَرغوانی ره د جان شی دد. ۳ اونا پیش شی آمده مُوگُفت: "درو د پادشاه یهودیا!" و قد چپات د روی شی میزد. ۴ اوخته پیلاتس بسم برو آمده دزوا گُفت: "اینه، ما او ره دز شمو برو میرم تا بدنید که ما هیچ دلیل بلده محکوم کدون ازو پیدا نَتَنسُتَم." ۵ پس عیسی تاج خاردار و قَبای دِراز اَرغوانی د جان شی برو امد. پیلاتس دزوا گُفت: "اینه، آدم شمو!"

۱۹

۶ وختیکه پیشوایون عالی مقام و صاحب مَنصَبَا او ره دید، اونا چِیغ زده گُفت: "د صلیب میخکوب کُو، او ره د صلیب میخکوب کُو!" پیلاتس دزوا گُفت: "شمو او ره بُبرید و د صلیب میخکوب کنید، چراکه ما هیچ دلیل بلده محکوم کدون ازو پیدا نَتَنسُتَم." ۷ یهودیا د جواب ازو گُفت: "مو شریعت دری و د حساب شریعت او باید کُشته شنه، چراکه او خود ره باچه خدا مُوگه." ۸ وختیکه پیلاتس ای توره ره شنید، زیادتر ترس خورد. ۹ او بسم مَنه قصر در آمد و د عیسی گُفت: "تُو از کجا آستی؟" مگم عیسی هیچ جواب ندد. ۱۰ پس پیلاتس دزُو گُفت: "تُو قد ازمه گپ نمیزنی؟ آیا تُو خبر نَدری که ما قُدرت دَرُم که تُو ره ایله کُنم و ام قُدرت دَرُم که تُو ره د سر صلیب بکُشَم؟" ۱۱ عیسی د جواب شی گُفت: "تُو هیچ قُدرت د سر ازمه نمیدشتی، اگه از باله دز تُو دده نَمُوشُد. امزی خاطر کسی که مَره دز تُو تسلیم کده، گناه کته تر دَره." ۱۲ امزُو وخت بعد پیلاتس کلو کوشش کد که او ره ایله کُنه، مگم یهودیا چِیغ زده مُوگُفت: "اگه ای آدم ره ایله کُنی تُو دوست قیصر نیستی! هر کسی که خود خُو ره پادشاه بگیه، او مُخالِف قیصر آسته." ۱۳ وختیکه پیلاتس ای تورا ره شنید، عیسی ره برو اُرد و خود شی د یگ جای د نام «سنگ فرش» که د زیون عبرانی «جَباتا» گُفته مُوشُد، د چوکی قضاوت ششت. ۱۴ امو روز، روز تیاری بلده عید پَصَح بُود و ساعت ششم روز. ۱۵ پیلاتس د یهودیا گُفت: "اینه، پادشاه شمو!" ۱۵ ولے اونا چِیغ زده گُفت: "گم کُو او ره! طَلعت شی ره گم کُو! بُر د صلیب بکُش!" پیلاتس دزوا گُفت: "پادشاه"

^a ۱۸:۴۰ د انجیلی که نوشته مرقس آسته، باراباس ره «یاغی» گُفته. ^b ۱۹:۱۴ یعنی چاشت بُود.

شُموره دَ صلیبِ بُکُشُم؟“ پیشوایونِ عالی مقام جواب دده گُفت: “موغیر از قیصر دِیگه پادشاه نَدری. ” ۱۶ پس پیلاتُس اُو ره دَزوا تسلیم کد تا دَ صلیب میخکوب شُنه.

عیسی دَ صلیب کُشته موشه

اوخته اونا عیسی ره گُرفت ۱۷ و اُو صلیب دَ شانهِ شی بُرو رفت و طرفِ امزُو جای که «کاسِه سر» گُفته مُوشد، رَبی شُد. اُمو جای ره دَ زبونِ عبرانی «گُلگُتا» مُوگُفت. ۱۸ اونا دَمزُو جای عیسی ره دَ صلیب میخ کوب کد و قد اَزُو قَتی دُو نفرِ دِیگه ام بُود، دَ ای طرف و دَ اُو طرف شی و عیسی دَ مینکل ازوا. ۱۹ پیلاتُس یگ عنوان نُوشته کده دَ صلیب نَصَب کد که امیطور خاندِه مُوشد:

“عیسای ناصِری، پادشاهِ یهودیا.”

۲۰ امی عنوان ره غَدَر یهودیا خاند، چُون اُمو جای که عیسی ره دَ صلیب میخکوب کُدد، دَ شار نَزدیک بُود. اُمو عنوان دَ زبونایِ عبرانی، لاتینی و یونانی نُوشته شُد. ۲۱ پس پیشوایونِ عالی مقامِ یهودیا رفته دَ پیلاتُس گُفت: “پادشاهِ یهودیا نُوشته نُکو، بلکه نُوشته کُو که ای آدم گُفت: “ما پادشاهِ یهودیا اَسْتُم.”” ۲۲ پیلاتُس دَ جواب ازوا گُفت: “چیزی که نُوشته کُدم، نُوشته کُدم.”

۲۳ وختیکه عسکرا عیسی ره دَ صلیب میخ کوب کد، اونا کالای شی ره گُرفته دَ چار حصّه تقسیم کد که دَ هر عسکر یگ حصّه رسید. قَبای شی ره ام گُرفت، ولے اُو بے دَرز بُود و از باله تا دامون دَ یگ تکه بافته شُد. ۲۴ پس اونا قد یگدیگه خُو گُفت: “ببید که ای ره پاره نُکنی، بلکه دَ بله شی پشک پورته کُنی تا پنگری که از کی موشه.” ای ره گُفت تا نُوشته کِتَابِ مُقَدَّس پوره شُنه که مَوگه: “اونا کالای مَره دَ مَنه خُو تقسیم کد و دَ بله لباس مه پشک اَندخت.” پس عسکرا امی کارا ره کد.

۲۵ دَ نَزدیکِ صلیبِ عیسی ایبنی کسا ایسته بُود: اَبه عیسی، خوارِ اَبه شی، مریمِ خاتونِ کلویاس و مریمِ مَجْدَلِیه. ۲۶ وختیکه عیسی اَبه خُو ره قد امزُو یارِ دوست-دَشْتَنی خُو یگجای ایسته دید، اُو دَ اَبه خُو گُفت: “ای خاتو، اینه باچه تُو.” ۲۷ بعد ازو دَمزُو یار گُفت: “اینه، اَبه تُو.” و امزُو ساعت بعد، اُمو یار اُو ره دَ خانه خُو بُرد.

۲۸ بعد ازو عیسی دید که تمام چیزا تکمیل شُده و بلده ازی که نُوشته های کِتَابِ مُقَدَّس پوره شُنه، اُو گُفت: “ما تُشنه شُدیم.” ۲۹ دَ اُونجی یگ کوزه پُر از سِرکه انگور بُود. پس اونا یگ اِسْفنج ره دَ مَنه شی غوْته کده دَ سِر یگ نَی بند کد و نَزدیک دان شی بُرد. ۳۰ غَیْتیکه سِرکه انگور دَ دانِ عیسی رسید، اُو گُفت: “خلاص شُد.” بعد ازو سر خُو ره تا اَندخت و روح خُو ره تسلیم کد.

۳۱ اُمو روز، روز تیاری بُود و ازی که یهودیا نَمیخاست جَسدا دَ روز آرام دَ بله صلیب بُمَنه، خُصُوصاً دَ امزُو روز آرام که روز بُزُرگ عید بُود، اونا از پیلاتُس خواهش کد که پایای مَصْلُوب شُده ها میده شُنه^a تا جَسدای ازوا بُرده شُنه. ۳۲ پس عسکرا اَمده ام پایای نفرِ اوّل ره و ام پایای نفرِ دوّم ره که قد عیسی یگجای دَ صلیب میخکوب شُد، میده کد. ۳۳ مگم غَیْتیکه اونا پیش عیسی رسید و دید که اُو گاه مُرده، اونا پایای شی ره میده نکد. ۳۴ لیکن یکی امزُو عسکرا قد نَبَره خُو دَ بَغْلِ عیسی زِد که دِستی خُون و اُو از بَغْل شی بُر شُد. ۳۵ اُمو کسی که ای چیزا ره دید، شاهیدی دَد و شاهیدی ازو راست اَسْتِه. اُو میده که اُو حَقِیقت ره مَوگه تا شُمو ام باور کُنید. ۳۶ امی چیزا رُخ دَد تا نُوشته های کِتَابِ مُقَدَّس پوره شُنه که مَوگه: “یگ اَسْتَعُونِ ازو ام میده نُموشه.” ۳۷ و دِیگه نُوشته های کِتَابِ مُقَدَّس باز ام مَوگه: “اونا سُونِ امزُو کس توخ مونه که اُو ره قد نَبَره زده.”

۳۸ بعد ازی واقعه ها یوسف که از شارِ رومه و پیرو عیسی بُود، ولے از ترسِ یهودیا تاشکی پیروی مُوگد، از پیلاتُس خواهش کد تا دَزُو اجازه بدیه که جَسدِ عیسی ره بُره و پیلاتُس دَزُو اجازه دَد. پس اُو اَمده جَسدِ عیسی ره بُرد. ۳۹ و نیقودیموس که دَ شروع یگ شاو پیش عیسی اَمد، اُو ام اَمَد و موادِ خوشبوی گُت شُده مُر و عود ره که تقریباً پنج سیر^b بُود، اُورد. ۴۰ پس اونا جَسدِ عیسی ره گُرفته دَ مُطابِقِ رسم-و-رَواجِ یهودیا قد موادِ خوشبوی دَ مَنه کفن پیچ دَد. ۴۱ دَمزُو جای که عیسی مَصْلُوب شُد یگ باغ بُود و دَ مَنه باغ یگ قبر نو کنده شُده مَوْجُود بُود که تا هنوز هیچ کس دَ اُونجی دَفن نَشُد. ۴۲ ازی که اُمو روز، روز تیاری عید بلده یهودیا بُود و قبر ام نَزدیک بُود، اونا عیسی ره دَ مَنه امزُو قبر غار مائند ایشت.

۲۰ ۱ دَ روزِ یگشَمبِه مریمِ مَجْدَلِیه صَباح گاه که هنوز هوا تَرِیک بُود، دَ سِرِ قبر اَمَد و دید که سنگ از دانِ قبر پس شُده. ۲ پس اُو دَویده پیش شَمعونِ پَتْرُس و اُمو یارِ دِیگه که عیسی اُو ره دوست دَشْت اَمَد و دَزوا گُفت: “اونا مولا ره از قبر بُرده و موخبر نَدَره که اُو ره دَ کُجا ایشته.” ۳ اوخته پَتْرُس و اُمو یارِ دِیگه بُر شُده سُونِ قبر رَبی شُد. ۴ اونا هر دوی شی قَتی مُودوید، لیکن اُمو یارِ دِیگه از پَتْرُس کده پیش

^a ۳۱:۱۹ مقصد از میده کدون پایای مَصْلُوب شُده ها امی بُود که اونا زود بُره و از صلیب تا شُده بُرده شُنه. ^b ۳۹:۱۹ دَ جای «پنج سیر» دَ زبونِ یونانی «صد لیتر» نُوشته یه که تقریباً ۳۷ کیلوگرام موشه.

شُد و اوّل دَ سرِ قبرِ رَسید^۵ و خود ره خَم کده دید که کفن دَ مَنه قبرِ آسته، ولے او داخل نَرفت. ^۶ شَمعون پترُس از پُشتِ اَزو آمد و مَنه قبر داخل شُد و دید که کفن دَ اُونجی ایشته بُود، ^۷ ولے دِستمالی که دَ سرِ عیسی بُود قد کفن ایشته نَبُود، بلکه جدا پیچَنده شُد دَ یگ جای ایشته بُود. ^۸ پس یارِ دِیگه که اوّل دَ سرِ قبر اَمُد، ام داخل رفت و دید و ایمان اُورد. ^۹ اونا تا هنوز نَوشته های کِتَابِ مُقَدَّس ره نَفامیدد که او از مُرده ها باید دُوباره زنده شُنه. ^{۱۰} پس یارا تاو خورده دَ خانه های خُو رفت.

^{۱۱} مگم مَریم دَ بُرون قبر ایسته بُود و چخرا مُوکد. دَ حالیکه دَرُو چخرا مُوکد، او خود ره خَم کده مَنه قبر ره توخ کد ^{۱۲} و دُو ملایکِه سفید پوش ره دَ امزُو جای که جَسَدِ عیسی ایشته شُد، دید. یگ شی طرفِ سر شی و دِیگه شی طرفِ پای شی ششتند. ^{۱۳} و اونا دَز شی گُفت: "آی خاتُو، چرا چخرا مُونی؟" او دَزوا گُفت: "اونا مَولای مَره گِرَفته بُرده و ما خبر ندرُم که او ره دَ کُجا ایشته." ^{۱۴} وختیکه مَریم امی چیزا ره گُفت، پس دَور خورد و عیسی ره ایسته دید، مگم نَفامید که او عیسی آسته. ^{۱۵} عیسی دَز شی گُفت: "آی خاتُو، چرا چخرا مُونی؟ کی ره مُوپالی؟" مَریم دَ کُمانِ ازی که او باغوان آسته، دَز شی گُفت: "صاحب، اگه تو او ره بُردے دَز مه بگی که او ره دَ کُجا ایشته تا ما او ره بُرم." ^{۱۶} عیسی دَز شی گُفت: "مَریم." مَریم دَور خورد و دَ عِبْرانی دَز شی گُفت: "رَبّونی، یعنی اُستاد." ^{۱۷} عیسی دَزوا گُفت: "دَز مه دِست نَرُو، چراکه ما تا هنوز پیش آتِه خُو نَرَفَتیم؛ بلکه پیشِ برارای مه بورُو و دَزوا بگی که ما پیشِ آتِه ازخُو و آتِه ازشُمُو و خُدای ازخُو و خُدای ازشُمُو باله مورُم." ^{۱۸} اوخته مَریم مَجَدَلِیَه پیش یارا آمد و دَزوا اعلان کده گُفت: "ما مَولا ره دیدم!" و امو چیزای ره که عیسی دَز شی گُفتد، دَزوا نقل کد.

عیسی دَ یارای خُو ظاهر موشه

^{۱۹} شامِ امزُو روزِ اوّلِ هفته وختیکه یارا دَ یگ جای جَم بُود و از ترسِ یهودیا درگه های امزُو جای ره کیپ کُدد، بے بلغه عیسی آمد و دَ مینکل جای ایسته شُد دَزوا گُفت: "سلام علیکم." ^{۲۰} وختیکه امی ره گُفت، او دِستا و بغل خُو ره دَزوا نشو دَد و یارا از دیدونِ مَولا کلو خوشحال شُد. ^{۲۱} اوخته عیسی بسم دَزوا گُفت: "سلام دَز شُمُو. امو رقم که آتِه آسمانی مَره ریی کده، ما ام شُمُو ره ریی مُوم." ^{۲۲} بعد از گُفتونِ امزی توره او دَ سرِ ازوا دَم کده گُفت: "روح اَلقُدس ره حاصل کُنید." ^{۲۳} اگه شُمُو گناه های کسی ره بُبخشید، اونا بُبخشیده موشه و اگه نَبخشید، اونا بُبخشیده نَموشه.

^{۲۴} مگم توما، یکی امزُو دوازده یارای عیسی که معنای نام شی «دُوگنی» آسته، وختیکه عیسی آمد قد ازوا نَبُود. ^{۲۵} پس دِیگه یارا دَز شی گُفت: "مو مَولا ره دیدی." مگم او دَزوا گُفت: "تا که جای میخا ره دَ دِستای شی نَنگَرُم و کِلک خُو ره دَ جای میخا و دِست خُو ره دَ بغل شی نَه ایلم، ایمان نَمیرُم." ^{۲۶} هشت روز بعد یارای عیسی بسم داخلِ امزُو خانه بُود و توما ام قد ازوا قتی بُود. دَ حالیکه درگه ها کیپ بُود، عیسی آمد و دَ مینکل ازوا ایسته شُد گُفت: "سلام دَز شُمُو." ^{۲۷} بعد ازوا دَ توما گُفت: "کِلک خُو ره اینجی بیل و دِستای مَره بَنگر؛ دِستای خُو ره ام بیر و دَ بغل مه بیل و بے ایمان نَبش، بلکه ایمان دَشته بَش." ^{۲۸} توما دَ جواب شی گُفت: "یا مَولای مه و خُدای مه!" ^{۲۹} عیسی دَز شی گُفت: "آیا بخاطری که مَره دیدی، ایمان اُوردی؟ نیک دَ بَختِ امزُو کسای که مَره نَدیده، ولے باز ام ایمان میره."

^{۳۰} عیسی عَدَرِ مُعْجَزایِ دِیگه ام دَ حُضُورِ یارا کُدد که دَمزی کِتَابِ نَوشته نَشده. ^{۳۱} مگم امی چیزا نَوشته شُد تا شُمُو ایمان بَیرید که عیسی امو مسیح^b و باچه خُدایه و تا دَ سِیلِه ایمان اُوردو شُمُو دَ نامِ اَزو صاحبِ زندگی اَبَدی شَینید.

عیسی دَ هفت یارِ خُو ظاهر موشه

۲۱ بعد ازی چیزا عیسی بسم خود ره دَ لبِ دریاچه تَبیریه دَ یارای خُو ظاهر کد که ظاهر شُدونِ اَزو اینی رقم رُخ دَد: ^۲ شَمعون پترُس، توما که او ره «دُوگنی» ام مُوگُفت، نَتَنائیل از قانای جلیلیه، باچه های زیدی و دُو یارِ دِیگه دَ اُونجی جَم بُود. ^۳ شَمعون پترُس دَزوا گُفت: "ما ماهی گِرَفتو مورُم." اونا دَزوا گُفت: "مو ام قد تو موری." پس اونا بُرو رفته مَنه کِشتی شِشت، مگم امو شاو هیچ چیز گِرَفته نَتَنست. ^۴ وختی صُبح شُد عیسی دَ لبِ دریا ایسته بُود، مگم یارا نَفامید که عیسی آسته. ^۵ پس عیسی دَزوا گُفت: "او بچکِیچا، یگو ماهی گِرَفتید یا نه؟" اونا دَ جواب شی گُفت: "نه." ^۶ او دَزوا گُفت: "تور ره طرفِ راستِ کِشتی بَندَزید و از اُونجی ماهی مِیگَیرید." اوخته اونا تور ره اَندخت و از بس که کلو ماهی گِرَفتند، اونا تور ره دَ مَنه کِشتی کش کده نَمِیَنست. ^۷ پس امو یارِ که عیسی او ره دوست دَشت دَ پترُس گُفت: "ای خُو مَولا آسته." وختی شَمعون پترُس شَینید که مَولا آسته، او کالای خُو ره که از جان خُو کَشیدد، دَ گِردِ خُو پیچ دده خود ره مَنه او پورته کد. ^۸ ولے دِیگه یارا قد کِشتی آمد، چراکه اونا از خُشکی دُور نَبُود؛ کِشتی فقط یگو دُو صد توغی از لبِ دریا فاصِله دَشت و اونا تور پُر از ماهی ره قد خُو کش کده اُورد. ^۹ وختیکه اونا دَ خُشکی تاه شُد، دید که قوغِ آتَش داغ آسته و ماهی دَ بله شی ایشته یه و نان ام دَ پالوی شی آسته.

^a ۱۷:۲۰ مقصدِ عیسی از گُفتونِ «آتِه ازخُو و آتِه ازشُمُو» آتِه آسمانی آسته. ^b ۳۱:۲۰ یعنی اِنْتِخابِ شُدِه خُدای.

۱۰ عیسیٰ دزوا گُفت: "امزو ماهی که تازه گِرفْتید، یگ کَمک وری بییرید." ۱۱ اوخته شِمعون پترُس رفت و جال ره که پُر از ماهی بُود دَ خُشکه کش کد. دَ مَبِه تور یگ صد و پنجاه و سِه ماهی کته بُود. مگم باو جُود که اُموقَس ماهی کلو بُود، تور پاره نَشُدُد. ۱۲ عیسیٰ دزوا گُفت: "بیید، نان بُخورید." هیچ کُدم از یارا دل نَتَنست که ازو پُرسان کُنه: "تو کی آستی؟" چُون اونا میدَنست که او مولا یه. ۱۳ پس عیسیٰ اَمَد و نان ره گِرفته دزوا دَد و ماهی ره ام اُمو رقم کد. ۱۴ اینمی دفعه سیوم بُود که عیسیٰ بعد از دُوباره زنده شُدون خُو از مُرده ها دَ یارای خُو ظاهر شُد.

۱۵ وختیکه اونا نان ره خورد، عیسیٰ دَ شِمعون پترُس گُفت: "آی شِمعون باچه یوختا،^a آیا تُو امزیا کده مَره کلوتر مُحَبَت مونی؟" پترُس دزوا گُفت: "آرے مولا، تُو میدنی که ما تُو ره دوست دَرُم." عیسیٰ دزوا گُفت: "باره گون مَره بچرنو." ۱۶ دفعه دُوم او دز شی گُفت: "آی شِمعون باچه یوختا، آیا تُو مَره مُحَبَت مونی؟" او دَ جواب شی گُفت: "آرے مولا، تُو میدنی که ما تُو ره دوست دَرُم." عیسیٰ بسم دز شی گُفت: "گوسپندوی مَره نگاه کو." ۱۷ او دفعه سیوم دزوا گُفت: "آی شِمعون باچه یوختا، آیا تُو مَره دوست دری؟" پترُس دق شُد، چراکه عیسیٰ دفعه سیوم دز شی گُفت: "آیا تُو مَره دوست دری؟" و او دز شی گُفت: "یا مولا، تُو از پگ چیزا خبر دری؛ تُو میدنی که ما تُو ره دوست دَرُم." عیسیٰ دزوا گُفت: "گوسپندوی مَره بچرنو." ۱۸ ما حقیقت ره دز تُو موگم: وختیکه جوان بُودی تُو کمر خُو ره بسته مَوکدی و هر جای که دل تُو موشد مورفتی. مگم وختیکه پیر شنی تُو دِستای خُو ره دراز مونی و دیگه کس کمر تُو ره بسته کده تُو ره دَ یگ جای مَوبره که تُو نَمیخاهی دَ اُونجی بوری." ۱۹ عیسیٰ امی توره ره گُفت تا نشو بدیه که پترُس دَ چی رقم مرگ جان خُو ره دَ راه بزرگی-و-جلالِ خُدا میدیه. بعد امزی توره بسم دَ پترُس امر کد: "از مه پیروی کو."

۲۰ پترُس دُور خورد و اُمویار ره دید که عیسیٰ او ره دوست دشت و او از پس ازوا میمد. ای اُمویار بُود که دَ سرِ نانِ شوا دَ شانِه عیسیٰ تکیه کُود و گُفتد: "یا مولا، او نفر که تُو ره دَ گِبر میدیه، کی آسته؟" ۲۱ وختیکه پترُس اُمویار ره دید، از عیسیٰ پُرسان کد: "یا مولا، دَ باره ازو چی موگی؟" ۲۲ عیسیٰ دزوا گُفت: "اگه ما بخایم که او تا اَمَدون ازمه بُمَنه، دز تُو چی؟ تُو ازمه پیروی کو." ۲۳ پس امی توره دَ بین برارو تیت شُد که "اُمویار هیچ نَمومره." مگم عیسیٰ قد ازو نَگُفتد که "او نَمومره،" بلکه گُفتد: "اگه ما بخایم که او تا اَمَدون ازمه بُمَنه، دز تُو چی؟" ۲۴ ای اونمویار آسته که دَ باره امزی چیزا شاهده میدیه و امی چیزا ره نوشته کده و مو میدنی که شاهدهی ازو راست آسته. ۲۵ عیسیٰ غدر کارای دیگه ام انجام دَد که اگه هر کُدم ازوا جدا جدا نوشته شنه، فکر مَونم که دُنیا ام گنجایش امزو کتبابی نوشته شده ره ندره.

^a ۱۵:۲۱ دَ جای «یوختا» دَ بعضی نُسَخه ها «یونا» نوشته یه.